

راه توده

نشریه مائیلان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۱ بهمن ۱۳۶۱ مطابق
۱۰ شهریور ۱۳۸۱
سال دوم، شماره ۷۹
پهنا: ۱۰ سانتی

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود که حفظان و ترور بر میهن ما سایه افکنده، ارگانه های سرکوب گر یک تارمه دهن اند، قلم ها را شکسته و زبانها را بسته اند، دهها هزار توده ای، وفدائی و مجاهد مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاه چالهای رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار دارند و روزی نیست که احکام چاپرانه زندانهای دراز مدت و یا اعدام میهن دوستان اعلام نگردد.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی به هنگامی برگزار می شود که طبقه کارگر از ابتدائی ترین حقوق محروم است، کارگران گروه - گروه از کارخانه ها اخراج می شوند، بیکاری فراگیر میلیونها زحمتکش، زنان و فرزندان آنان را با گرسنگی و در به دری و فقر و مسکنت بیسابقه روبرو ساخته است، دهقانان کم زمین و بی زمین از هستی ساقط شده چارهای، جز مهاجرت به شهرهای بزرگ ندارند، دولت به جای اصلاحات راضی رادیکال بزرگ مالکان را دوباره بر جان و مال و ناموس بقیه در صفحه ۲

کارنامه سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی در پنجمین سالگرد انقلاب بهمن

دستاوردهای انقلاب در عرصه های استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پایمال حاکمیت روبرو یافته از خلق

پنجمین سالگرد انقلاب بهمن در شرایطی فرا می رسد که دستاورد های ارزشمند این انقلاب شکوهمند ملی و مردمی، در راه دستیابی به آمیج های اصیل آن، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، بیش از پیش پایمال سلطه دم افسزون ارتجاع می شود.

چ ۱۰ در عرصه تأمین استقلال واقعی میهن ما، راه رفته را به سرعت بازی می گردد.

کشور ما به قیمت تاراج ثروت ملی نفت و غارت پتروشیمی و بار دیگر به بازار فروش بیست میلیارد دلاری کالاهای امریالیستی تبدیل شده است. فعالیت اقتصادی در کشور ما به طور عمده در خدمت باز تولید نظام اقتصادی ستمشاهی قرار گرفته است، نظام اقتصادی که به اعتراف سران چ ۱۰ همچنان تا ۹۰٪ وابسته به امریالیسم جهانی است.

سنت گیری حاکمیت چ ۱۰ در راستای ترمیم و نوسازی و تشدید این وابستگی است. بزرگ ترین پروژه های اقتصادی در دست اجرای بخش دولتی، پتروشیمی ایران و ژاپن، فولاد سازی مبارکه ایران - ایتالیا، خود رسازی ایران - تالیوت انگلیسی و مجتمع فولاد سازی اهواز با مشارکت و " کمک " انحصارات چند ملیتی بین المللی است. در آخرین روزهای پنجمین سال انقلاب طرح چند میلیارد دلاری ساختمان نیروگاه اتمی بقیه در صفحه ۶

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اقدامات توطئه گرانه و سرکوبگرانه علیه سازمان فدائیان خلق ایران

صفحه ۹

حکم اعدام برای براندازان رژیم ستم شاهی

بیدادگاه های نظامی ج.ا. فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است

در سالروز یورش، سبانه و افسار گسیخته حاکمیت چ ۱۰ به حزب توده ایران، ضابطین و مراجع قضائی خد متکزار کلان سرمایه دازان و بزرگ مالکان، ۱۳ تن از افسران میهن دوست و برخی از فعالین حزب توده ایران را به جوش های مرگ می سپارند تا شقاوت بی بدیل خویش را نزد جهانیان و حد چاکرمنشی خود را به امریالیسم آمریکا بر مسند ثبوت نشانند. بقیه در صفحه ۴

روند مبارزاتی میمن حاضر گرسنگی و سرکوب خلق کرد

اعلام کننده علیه ملل خاور میانه دست می زند

مردم مترقی جهان صدور احکام علیه افسران میهن دوست و توده ای های در بند را محکوم می کنند

سردمداران چ ۱۰ در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب مردم ایران در تدارک قربانی کردی ۱۳ افسر میهن دوست و برخی از فعالین حزب توده ایران اند. به گزارش خبرگزاری ها، احکام اعدام این مدافعان مردم، تأیید شده است. یک سال پیش، در همین ایام سیا پروردگان ساوا جانی گنم، و با نام چ ۱۰ سرکوب خونین حزب توده ایران را که پیش شرط باز برقراری روابط نوین با امریالیسم بود، آغاز کردند. در این یک سال، توده ای های در بند، تحت سبانه تریز شکنجه های جسمی و روانی، سنتی و مدرن قرار بقیه در صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه ۱

وستانیان مسلط می سازد، زمین های تقسیم شده بین دهقانان را از صاحبان اصلی پس گرفته و به بزرگ مالکان تحویل می دهند، زندانها پسر از دهقانان خواهان پایان دادن به سلطه اربابان است، دهنها هزار کارمند و دانشجویی در گرانیش از ادارات دولتی و دانشگاهها اخراج شده اند، کسبه و افزارمندان تحت فشار روز افزون قرار دارند.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که سران جمهوری اسلامی کلان سرمایه داران وابسته را به بازگشت دعوت می کنند و نظام سرمایه داری وابسته را با تمام بی آیدهای مخرب آن احیا می نمایند، سیاست " دروازه های باز " را در پیش گرفته و با افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، صنایع و کشاورزی را دچار بحران ساخته و به سوی ورشکستگی سوق می دهند، اقتصاد ایران به عرصه تاخت و تاز انحصارهای امپریالیستی تبدیل شده و خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل، کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا به اشکال مختلف ادامه دارد.

حکام جمهوری اسلامی، که بعد از پیروزی انقلاب وعده احقاق حقوق محرومین را می دادند

و از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی سخن می گفتند و استقرار نظام " قسط اسلامی " را وظیفه عاجل نخستین دوره مجلس شورای اسلامی می شمردند و به توده های محروم وعده می دادند چه ارمغانی برای زحمتکشسان آورده اند؟ در حالی که قزویکبری بی خانمانی، تورم گرانی و احتکار، ظلم و جور استبدادی، فساد و رشوه خواری و دزدی بیت المال گسترش می یابد، ششبی کلان سرمایه دار بازاری، که رهبران جمهوری اسلامی آنها را " ستون انقلاب " می نامند، تنها کسانی هستند که از انقلاب بهره می برند.

هیئت حاکمه، که زمانی امپریالیسم تجار و کار آمریکا را دشمن شماره یک مردم ایران معرفی می کرد، اینک با چرخش به راست به تبعیت از سیاست کمونیسم ستیزی دولت رونالد ریگان، عملاً در جبهه واحدی شهری ستیزی را دنبال می کند و موجبات تیرگی روابط بین دو کشور همسایه را فراهم آورده است.

دولت و مجلس تحت کنترل حزب حاکم - حزب جمهوری اسلامی بزرگترین مبلغین ادامه جنگ خانان تورم و بی حاصلند، که تا کنون صدها هزار فرزندان کارگران و دهقانان را به نابودی کشیده و یا علیل و مرجوح تحویل جامعه داده

است. رهبران جمهوری اسلامی که همعند کرسی های نمایندگان واقعی مردم را در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در اختیار کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ و صاحبان استغلات قرار دهند، مبتکرین اصلی شعار " جنگ، جنگ تا پیروزی " اند. زیرا ادامه جنگ هم منبع سود سرشار برای صاحبان ثروت و هم منبع درآمد نا مشروع برای گردانندگان اهرمهای مملکتی از طریق زد و بند های پشت پرده با قاچاقچیان و انصارهای بین المللی فروشندگان اسلحه است.

خواهران و برادران!

رژیم پس از غیر قانونی کردن فعالیت همه احزاب ملی و مترقی و ضد امپریالیستی و از آنجمله حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای انقلابی، خود را آماده می سازد تا با حره ارباب و تهدید، با سوء استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با توسل به تقلب و تحویض صد و قهقاری انتخاباتی به فهرست تحویلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند.

با در نظر گرفتن مجموعه این عوامل، کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشترکاً به این نتیجه رسیدند، که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدائی ترین حقوق و آزادی های دمکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست نامزد های ارائه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰. و سازمانهای مربوط به آنها رأی مخالف دهند.

دادن رأی مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ به معنای نفی سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی، به معنای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، به معنای خواست آزادی دهها هزار انسان بی گناه در بند، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام نهیمن دوستان، به معنای طرد عمال امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره رد از پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است، که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آندند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۲

امپریالیسم آمریکا برای تأمین سیادت خود به تشدید جنگ اعلام نشده علیه ملل خاورمیانه دست می زند!

اوضاع خاورمیانه، خاور نزدیک و خلیج فارس را اثر سیاست ماجراجویانه و تجار و کارخانه ایالات متحده آمریکا روز به روز وخیم تر می گردد. امپریالیسم آمریکا که می کوشد سیادت خود را بر جهان امین کند و از موضع قدرت اراده خویش را به یگر خلقها تحمیل کند، عملاً در جنگ اعلام نشده ای بر علیه ملل این منطقه دست به کار شده است.

استقرار ناوگان دریایی ایالات متحده در آب های اقیانوس هند و ورود گروهی از آنها به لیبی فارس، تشکیل نیروهای واکنش سریع و جاد ستاد فرماندهی مرکزی، و تقویت ناوهای واپیم بر انتهریز و نیوجرسی، اعزام ۲۰۰۰ نگار دریایی به این منطقه، مانورهای شورای همکاری خلیج، گسترش و نوسازی تأسیسات و یگاههای نظامی خود در مصر، کنیا، سودان، و مالی، عمان، ایجاد پایگاههای ردیابی الکترو-

نیکی هدایت موشک در پاکستان، تأسیس پایگاه های جدید در ترکیه، استقرار موشک های پرشینگ در عربستان، ترکیه و پاکستان تنها گوشه ای از این اقدامات گسترده است. تفنگداران دریایی آمریکا خاک لبنان را لگدمال می کنند. روزنامه "السفیر چاپ بیروت می نویسد:

" پذیرفتن واقعیت موجود و عقب نشینی از لبنان، از دیدگاه آمریکا یک شکست نظامی و سیاسی محسوب می شود و تأثیر عمیقی بر اوضاع منطقه و اهداف آمریکا در منطقه خواهد گذاشت از این رو آمریکا چاره ای جز این نمی بیند که با مشورت متحدان خود دست به یک جنگ همه جانبه در منطقه بزند تا زمام امور را یک بار دیگر به دست گیرد."

روزنامه سوری "الشوره" نیز با اشاره به آمده باش کامل کشتی های ناوگان ششم آمریکا بقیه در صفحه ۲۰

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

مردم متمدنی جهان صدور احکام علیه افسران میهن دوست و توده‌ای‌های دربند را محکوم می‌کنند

بقیه از صفحه ۱۳

داشتند . حاصل این جنایات خونبار ، چند یسن شهید ، ویرانی‌های عصبی و جسمی (تا حد نجات دست و پا و حدوت سکنه مغزی و قلبی) ، و در پی آن ، شوهای تلویزیونی و سرانجام برپا سازی پیدادگاه‌های نظامی بود .

احزاب ، سازمانها و محافل کارگری متمدنی و دکرآتیک جهان ، از همان ابتدای یورش به حزب توده ایران ، همبستگی پرشور و بی دریغ و خشم و نفرت ، و اعتراض خود را با توده‌ای‌های دربند ، همراه با خواست‌های به حق ملاقات با زندانیان ، بررسی چگونگی کشف " اقراریه " و شرکت در دادگاه‌های آنان ابراز داشتند . همانگونه که انتظار می‌رفت این درخواست‌ها بی‌پاسخ ماند . با این حال ، نیروهای انسان دوست و آزادی خواه جهان همچنان بر اعتراض و خواستهای خود پای می‌فشارند . به گوشه‌ای از آنها توجه کنید :

هندوستان

کارگران جهان

از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

سی و دو مین کنگره اتحادیه‌های سراسری کارگران هندوستان از تاریخ پانزده تا بیست و دو دسامبر ۸۳ در شهر بنگلور برگزار شد . بیش از سه هزار نفر از نمایندگان کارگران از سراسر هندوستان ، هیأت‌های نمایندگی هجده کشور از جمله کشورهای سوسیالیستی ، فد راسیون جهانی اتحادیه کارگری ، کنفد راسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری عرب ، سازمان جهانی کار ، و ۰۰۰ در این کنگره شرکت داشتند .

" ایند و جیت گویتا " ، دبیر کل اتحادیه سراسری کارگران هندوستان ، گزارش کار اتحادیه را پس از سخنرانی افتتاحیه ابراهیم ذکریا ، دبیر کل اتحادیه‌های جهانی کارگران ، خواند . رفیسق گویتا در گزارش خود ، پس از بررسی سیاست‌های تاجا و زکارانه امپریالیسم آمریکا که صلح جهانی و استقلال کشورهای در حال رشد را نشانه گرفته است گفت :

" افزایش خطر جنگ و تجاوزات امپریالیستی باعث گسترش جنبش دکرآتیک صلح ، به خاطر امنیت و استقلال ملی گردیده است که سردمداران آمریکا نه تنها در خانه خود بلکه در ارضی نقاط جهان با آن رویز هستند ."

رفیق گویتا در پایان سخنان خود در اعلام همبستگی با سایر کارگران جهان افزود :

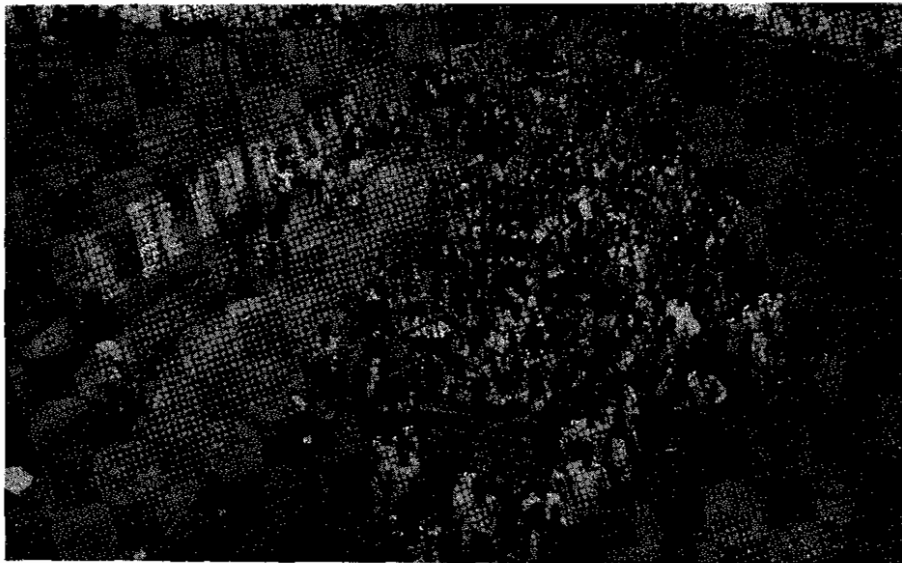
" ما جنایاتی را که توسط رژیم‌های ارتجاعی در آفریقای جنوبی ، شیلی ، ترکیه ، پاکستان و ایران علیه مردم و کارگرانی که به خاطر حقوق دکرآتیک و اتحادیه‌های کارگری خویش و به خاطر آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کنند ، اعمال می‌گردد محکوم می‌کنیم و همبستگی خود را با آنان اعلام

می‌داریم .

هواداران حزب توده ایران در هندوستان غرفه‌ای در جنب کنگره برپا داشته و فعالان صدای حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران و جنایاتی که توسط حکومت جمهوری اسلامی علیه حزب توده ایران و انقلاب مردم ایران اعمال می‌



نمایندگان اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف هنگام بازدید از غرفه حزب توده ایران در هندوستان به ترتیب از راست به چپ : ایستاده : خبرنگار مجله " لینک " - مالزیا - کویا - ویتنام - مغولستان - بنگلادش - نشسته : فیلیپین - کویا - بنگلادش .



تظاهرات با شکوه اتحادیه سراسری کارگران هندوستان پس از برگزاری ۳۲ مین کنگره خود در همبستگی با حزب توده ایران

**با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان
سیاسی متمدنی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

حکم اعدام برای براندازان رژیم شاهمی

بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است

بقیه از صفحه ۱

سردمداران ج.ا. و عوامل ارتجاع جهانی ، کسانی که مرگ به کسب و کار و رسانش بدل شده است، زندگی آزادی خواهانی را به پای تأمین منافع امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قربانی می‌کنند که خود مستقیماً در براندازی رژیم طاغوت شرکت فعال داشتند، حرکت مبارزه جویانه علیه فرماندهان سرسپرده ارتش را در پادگان‌ها سازمان دادند و آنجا که مسئله انتخاب زندگی خود و جان مردمی که برای کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بپا خاسته بودند، به میان می‌آمد، یک لحظه هم در ایمن گزینش جسورانه تردید به خود راه ندادند و به جای صدور فرمان شلیک به سوی مردم بی‌تیر- اندازی به آنان میدان دادن به تظاهرات توده‌های مردم و سرپیچی از اوامر فرماندهان خود را برگزیدند. این مردم قربانیان خیانت‌پیشه، هستی کسانی را به غارت می‌برند که پس از انقلاب در راه نگهداری، زرقا بخشی و گسترش آن، بسا تمام توان، اخلاقیات، ابتکار و مهارت خود رزمیدند و به بهای دامن زدن به کینه طبقاتی دشمنان مردم و آرمانهای انقلاب، در این نبرد پیش رفتند. سردمداران ج.ا. با این جنایت ضد انسانی، تنها مردم زحمتکش میهن ما را از بیکگر-ترین پشتیبانان خود محروم نمی‌سازند، بلکه انقلاب را بیش از پیش به لبه پرتگاه سقوط نهایی می-کشانند. زیرا مرگ ایمن، تنها به معنای محو فیزیکی چند زرمنده، استقلال طلب نیست؛ مرگ استقلال میهن ما نیز هست. تنها به معنای اعدام ۱۳ آزادی خواه مبارز نیست؛ اعدام آزادی نیز هست. تنها به معنای قربانی کردن عدالت جوانی بیکارگر نیست؛ به قربانگاه کشاندن عدالت اجتماعی نیز هست.

اگر از تمامی عرصه‌های دیگر نیز درگذریم، تنها نگاهی گذرا به جلسات به اصطلاح محاکمات افسران میهن دوست و برخی از توده‌های میهن دوست که تظاهرات شوم این بیدادگری، آزادی کشی و مظلوم کردن آرمان‌های عدالت-جویانه را در پی می‌بینیم. دو اتهام سیا ساخته علیه این "متهمین" بر "جاسوسی" و "اقدام به براندازی نظام ج.ا." دلالت دارد. اما در کیفرخواست دادستان، تنها به ماده ۱۹۹ "قانون حدود و قصاص" - که طرح براندازی حکومت اسلامی "را تصریح می‌کند، استناد شده است.

بی‌دادگاه‌های نظامی ج.ا. فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است

ما پیشتر، درباره "اتهام واهی" "جاسوسی" سخن رانده‌ایم و با دلایل و مدارک انکار ناپذیر و براساس اعترافات مسئولین امر و رئیس بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. که عجز ما ملان ارتجاع را از

ساختن و پرداختن مدزگی "قابل مطرح شدن" در این دادگاه‌های فرمایشی می‌رساند، بی‌پایه بودن این اتهام را به اثبات رساندیم. اکنون به بررسی شیکی، یعنی چگونگی به اصطلاح اثبات اتهام دیگر از جانب مسئولین امر، اتهامی که به همان اندازه بیچ و بوهی است، می‌پردازیم

حضور سه قاضی در دادگاه‌های نظامی الزامی است

پیش از آغاز بحث، تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که رعایت آئین دادرسی و مقررات تدوین شده درباره "چگونگی اثبات جرم"، از اهمیت قطعی و تعیین کننده‌ای برخوردار است. این اصل غیر قابل چشم پوشی که در تمامی قوانین جزایی و مدنی جاری است، از آن چنان قطعیتی بهره مند است که عدم رعایت آن، اعتبار دادگاه و احکام صادره از آن را به کلی ساقط می‌کند و در نتیجه اتهام وارده، غیر قابل اثبات باقی می‌ماند. در این صورت، اتهام اثبات نشده، نمی‌تواند و نباید "جرم" تلقی شود و از این رو، مجازاتی هم بدان تعلق نمی‌گیرد.

مسئله را در رابطه با اتهام "براندازی" علیه افسران میهن دوست و توده‌های دین‌دوست-رسی کنیم:

ماده "واحد" لایحه قانونی راجع به تشکیل دادگاه انقلابی ارتش که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب ج.ا. رسیده است و در مجموعه قوانین سال ۵۸ به چاپ رسیده، تصریح می‌کند:

"به منظور پاسداری از انقلاب اسلامی و استقلال ایران و مبارزه با توطئه گران علیه امنیت کشور و رسیدگی به جرائم و جنایات عناصر محسوس و مخرب داخل ارتش و ژاندارمری و شهرستانی، دادگاه انقلاب ارتش مرکب از سه نفر: یک قاضی شرع، یک قاضی دادگستری و یک قاضی ارتشی تشکیل می‌گردد. . . ."

در واقع علت آنکه پس از ختم جریان محاکمات اعلام می‌کنند:

"دادگاه وارد شور می‌شود"

به دلیل حضور قضات سه گانه شرع و دادگستری و ارتش است. اما از آنجا که بیدادگاه‌های نظامی ج.ا. را تنها یک قاضی شرع - بر خلاف نص صریح این ماده واحد - اداره می‌کنند، وی ناگزیرست تنها با دادستان یعنی مدعی العموم "متهمین" به شور بنشینند!

همین ماده واحد در مورد "ترتیبات تعقیب و تحقیق از متهمین" تصریح می‌کند: "ترتیبات تعقیب و تحقیق از متهمین و رسیدگی به اتهامات طبق آئین نامه دادگاه‌های انقلاب اسلامی ایران، مصوب شورای انقلاب

خواهد بود"

پایمال کردن حق برخورداری از وکیل صلاحیت دادگاه رانقی می‌کند

ماده ۷ و تبصره ماده ۸ این آئین نامه که تحت عنوان: الف- دادگاه‌های انقلاب اسلامی و طرز تشکیل آنها "مشخص شده و متن آن در روزنامه رسمی مورخ ۵۸/۴/۳۰ درج گردیده، در مورد داشتن حق تعیین وکیل و ساعاتی که برای دفاع در اختیار متهمین قرار می‌گیرد، تصریح دارد:

"ماده ۷- هر متهم حق تعیین یک وکیل ایرانی را خواهد داشت که بر مسائل قضائی و حقوق جزائی اسلام آگاه باشد."

تبصره ماده ۸ می‌گوید:

"دادگاه باید به متهم و وکیل از حداقل ۱۵ ساعت حق دفاع بدهد."

چنانکه آشکار است، صحنه گردانان نمایشات شوم این بیدادگاه‌ها، هیچ یک از عناصر متشکله این ماده واحد را که به ویژه و منحصر در رابطه با تشکیل دادگاه انقلابی ارتش تدوین شده، رعایت نکردند و با نقض خشن این قانون، دادگاه را از احراز صلاحیت رسیدگی به "جرائم" مندرج در این ماده واحد ساقط ساخته‌اند. از این رو، می‌توان و باید نتیجه گرفت دادگاه‌های فرمایشی رژیم ج.ا. حتی بر موازین و ضوابط قانونی مدون ارگان‌های حکومتی خود نیز قابل انطباق نیست و فاقد "صلاحیت" قانونی برای دادرسی و صدور حکم است.

محارِب و مفسد فی الارض

در متن کیفرخواست دادستان ج.ا. هنگام، ارائه صدق قانونی اتهامات "متهمین" تنها به ماده ۱۹۹ "قانون حدود و قصاص و مقررات آن" استناد شده است. این ماده تصریح دارد: "هر فرسرد و یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آن‌ها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند."

چنانکه از جمله "هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد" نمایان است طرح ریزی براندازی، باید با قصد و نیت قبلی صورت گرفته باشد. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده "عمل" طرح ریزی "عنصر قصد و نیت قبلی" است. در غیر این صورت عمل انجام شده، طرح ریزی برای براندازی نیست و نمی‌تواند در ماده ۱۹۹ صدق قانونی خود را بیابد.

گزارشات مخدوش و ناهض مندرج در روزنامه های مجاز کشور، حکایت از آن دارد که تمامی

حکم اعدام برای براندازان رژیم ستم شاهی

متهمین، اتهام " براندازی " را تکذیب کرده و مطلقاً از پذیرش این امر که قصد و نیت براندازی داشته اند، سر یاز زده اند . هر چند آقای دادستان با جملات تحلیلی راحت از اظهاراتشان فهمیده می شود ، و " هر عضو حزبی می خواهد که حزیش به قدرت برسد " و " ایسن حزب از طریق مبارزات سیاسی نمی تواند پشتیبانی ملت را تأمین بکند و فقط یک راه باقی می ماند و آن هم براندازی ! " ترکیب عناصر مشکله " جرم منطبق بر ماده ۱۹۹ را فراهم می آورد، ولی " متهمین " صریحاً ابراز می کنند :

" احتمال یک توطئه براندازی در ایران علیه جمهوری اسلامی واقعاً وجود نداشت " (توجه کنید: حتی احتمال آن هم وجود نداشته است، چه رسد به قصد و نیت !)

" من جاسوسی و اقدام بر علیه امنیت کشور و براندازی را قبول نداشته "

" البته یکی از مسائل این بود که واقعاً ما آن موقع اعتقاد داشتیم به اینکه می بایست از ج حمایت بکنیم "

گذشت از این امر، چنان که از روح مواد مدون قانون حدود و قصاص و به ویژه ماده ۲۱۰ که بر موارد و راه های ثبوت محاربه و فساد فی الارض نظارت دارد دریافت می شود، نه تنها وجود عنصر " قصد و نیت قبلی " در تحقق جرم براندازی حتی و ضروری است، بلکه اقدام عملی در جهت آن نیز لازم است ؟ بندب این ماده بر این امر صراحتاً دارد :

" ب - یا با شهادت فقط ۲ مرد عادل .

تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند، به نفع همدیگر پذیرفته نیست .

تبصره ۲ - هر گاه عده ای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند، شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده، نسبت به دیگران پذیرفته است .

تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر به منظور اثبات محاربه می شود ن مهاجمین باشد و شکایت شخصی نباشد، پذیرفته است .

به این ترتیب، نه تنها عنصر " قصد و نیت قبلی "، بلکه شهادت بر وجود آن اقدام بر اساس آن نیز که به " تهاجم " منجر شده باشد از ارکان اصلی مشکله " محاربه و فساد فی الارض " بودن است .

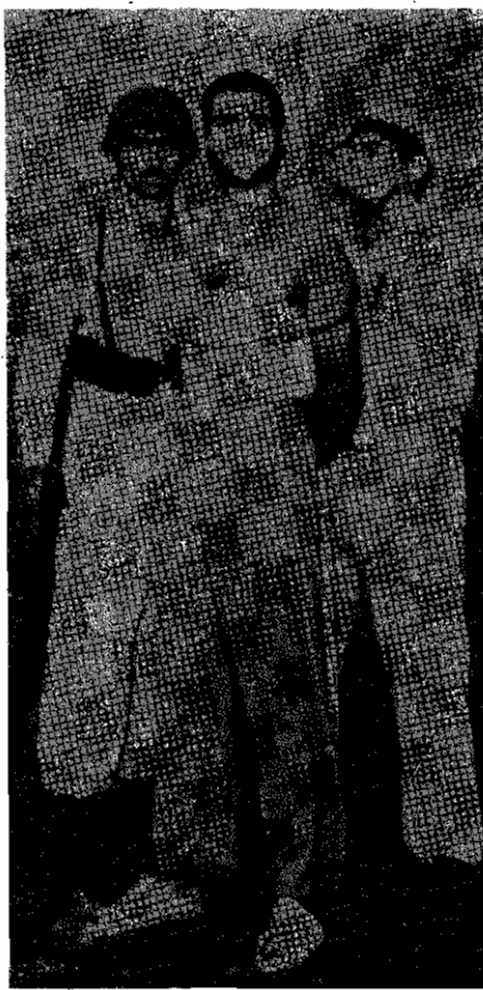
راه های ثبوت محاربه و فساد فی الارض
ماده ۲۰۱ قانون حدود و قصاص تصریح

دارد :
" محاربه و فساد فی الارض از راه های زیر ثابت می شود :

الف - یا یک بار اقرار به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد " آنچه در جریان به اصطلاح بازجویی ها و بازپرسی ها گذشته، دقیقاً خلاف مضمون ماده فوق است . گزارشات مندرج در روزنامه های مجسما ز

گواه بارز این ادعاست . اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که " اعتراف " گیری در خیمنان دست پرورده " سیا "، مأمور خدمت در شکنجه گاه هلی ج ۱۰ - بر چه مبنای بوده است: آنان با اعمال شکنجه های طاقت سوز روحی و جسمی، ستستی و مدرن، " قصد و اختیار " قربانی خود را زایل کرده و " اقرار " خود ساخته را به امضا آنان رسانده اند . دادستان ج ۱۰، در جریان پر - گزاری بیداد گاه های نظامی، خود به این امر اعتراف می کند . وی بارها " مفاد " پرورده را در مقابل دفاعیات متهمین می نهد و آنچه که با " قصد و اختیار " نسبی بیان می شود - سردود اعلام می کند و بر " اقرار "ی " که بدون " قصد و اختیار " گفته شده، تأکید می ورزد :

" دادستان در دفاع از کیفرخواست و در رد اظهارات متهم به اعترافات متهم در متن بازجویی وی اشاره کرد و تناقض کوشی



شهید ناوی وظیفه هوشنگ انوشه

**شاه هم می بند داشت با قتل عام
افسران انقلابی و قودهای قادر است
تا بند بر رویه قدرت تکیه زد!**

های متهم را یاد آور شد
" دادستان در دفاع از کیفرخواست، ضمن رد دفاعیات متهم گفت: در حالی که ایشان خود را مقصر نمی دانند، ولی در پرونده ایشان تخلفات زیادی به چشم می خورد"
" دادستان در دفاع از کیفرخواست افزود: ایشان در صفحه ۲۷ پرورده اعتراف کرده است "

به این ترتیب قانون حدود و قصاص که بنا بر مفاد کیفرخواست دادستان، قابل استنباد و اجراسست، دستگه و عاملان اجرائی قضائی را مکلف و موظف می سازد تنها از دو طریق: اقرار با قصد و اختیار و شهادت دو مرد عادل ناظر بر " مورد تهاجم " قرار گرفتن مردم، محاربه و فساد فی الارض بودن متهمین را به اثبات رسانند . در حالی که شکنجه گران و ضابطین و مجرمان عدالت اسلامی " درج ۱۰ و در رأس آنان دادستان که طبق قانون " برای تعقیب و توقیف متهمین و کشف جرائم و تحقیق، اختیار تام " دارد و باید هر گفته و راست . لاشعاً موافق موازین قانونی هستند به مواد مدون قانونی باشد، تنها به " فساد " پرورده - که بارها مورد انکار قرار می گیرد - و احراز و اثبات " پرداخت حق عضویت "، " اجرای قرارهای تشکیلاتی "، " داشتن نام مستعار "، " دادن کمک مالی " و " از این گونه " استدلالات " بی پایه که به هیچ وجه محل قانونی ندارد، پسنده می کنند . بر اساس همین موارد " اتهام " و دلایل ضد قانونی و پیچ است که تنها حاکم شرع بیداد گاه های نظامی ج ۱۰ - به محکومیت و اعدام ۱۳ تن از افسران آزادی - خواه و برخی از فعالین حزب توده، ایران، رأی داده است .

" دستور العمل ارسالی "، به جای قانون!

دامنه این قانون شکنی ها و اقدامات ضد قانونی سردمداران ج ۱۰ در این محدوده یاقی نمی ماند . طبق گزارش رسانه های گروهی ایران " محاکمه " اعضای حزب توده (ایران) در مشهد و کازرون آغاز شده است و در پهبهان و آغا جاری (فارس (شیراز)، کرمان و چند شهر استان دیگر به زودی آغاز خواهد شد . به گفته آقای موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور، توده ای های در بند نه بر اساس قوانین و آئین نامه " دادگاه ها و دادسراهای انقلاب که در جلسه ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب به تصویب رسیده و در روزنامه رسمی نیز درج شده، بلکه بر اساس " دستور العمل ارسالی " که مفاد آن " مخفیانه " تنظیم شده و هیئتای قانونی ندارد، به اصطلاح محاکمه می شوند . مرجع تدوین این " دستور - العمل " نیز نامعلوم است - حتی شورای عالی قضائی هم تنها " مواردی " از این " دستور - العمل ارسالی " را مورد بررسی قرار داده است . آنهم پس از " ارسال " به برخی از دادگاه های انقلاب ! آقای اردبیلی می گوید :

" در این جلسه تصمیم گرفته شد، به منظور ایجاد وحدت رویه در محاکمه کیفری ۲ و اجرای احکام، یعنی از آقایان روحانی با داشتن ابلاغ، بقیه در صفحه ۲۹

کارنامهٔ سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی در پنجمین سالگرد انقلاب بهمن

بقیه از صفحه ۱

دستاوردهای انقلاب در عرصه‌های استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پایمال حاکمیت روبرو تافته از خلق

در میهن ما امروز، استبداد قرون وسطایی حاکم است که به مدد دستگاه‌های اطلاعاتی و نهاد های سرکوب گر گوناگون، که شبکه های آن سراسر کشور را فرا گرفته است، حق فعالیت آزاد و سیاسی را از همه نیروهای تدافعی آماج هسای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، سلب کرده است. ملیت های غیر فارسی در میهن ما، همچنان از حق خود مختاری محرومند. مردم محروم و میهن دوست و آزادی خواه کردنستان به جرم دفاع از این حق طبیعی خویش، آماج وحشیانه ترین سرکوب های ضد مردمی در تاریخ معاصر ایران بوده اند.

حق برابری زنان با مردان درج ۱۰ به مظه افکار فزانه تکفیر می شود. زنان کشور ما، در سال های گذشته بسیاری از حقوق ابتدایی خویش را که طی دهها سال مبارزه کسب کرده بودند، از دست داده اند.

در عرصه تأمین عدالت اجتماعی

در عرصه تأمین عدالت اجتماعی، توقیف و بازگشت انقلاب نتایج اسفناکیزی برای زحمتکشان به بار آورده است.

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، کشور ما را به میدان غارتگری لجام گسیخته خویش تبدیل کرده اند. به اعتراف سران ج ۱۰ طی پنجساله پس از انقلاب، در نتیجه سیاست دفاع از سرمایه داری دولت ششصد میلیارد تومان بر میزان نقدینگی بخش خصوصی افزوده شده است. سرمایه داران ایران از جمله تا سال ۱۳۶۱، ۲۸۰ میلیارد تومان سود خالص داشته اند، در حالی که میزان مالیاتی که داده اند، تنها یک سوم مالیاتی است که مزد بگیران - کارگران و کارمندان - پرداخته اند (صاحب وزیر مشاور و مسئول سازمان برنامه ریزی و بودجه - اطلاعات ۳ بهمن ۶۲) دستمزد پنج میلیون کارگر و نزدیک به یک میلیون کارمند، در طول سالهای پس از انقلاب ثابت مانده است.

اصلاحات ارضی، متوقف شده است و روند بازگرداندن زمین های زیر کشت دهقانان به بزرگ مالکان آغاز شده است. بهای محصولات کشاورزی دسترنج ۲/۵ میلیون خانوار دهقان ایرانی در سالهای پس از انقلاب افزایش بسیار محدودی داشته است. در چنین شرایطی بار تورم سرسام آور - سالیانه در حدود چهل درصد - بیش از همه بردوش کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان سنگینی می کند.

در طول سالهای پس از انقلاب، خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی و بیمه و تأمین اجتماعی زحمتکشان کاهش محسوس داشته است. **اداره توسعه طلبانه جنگ با عراق،** بیش از پیش، به نفع جامعه عظیم اقتصادی و انسانی تبدیل

بوشهر، با مشارکت انحصار آلمانی "کرافت وک انویون" برای این مجموعه اضافه شد (اطلاعات ۹ بهمن ۶۲). حکام ج ۱۰ آگاهانه راه نسو - سازی نظام سرمایه داری و پایسته را برگزیده اند. یازسازی وابستگی تسلیحاتی، و تلاش برای احیای وابستگی نظامی ایران در چهار چوب پیمانهای نظامی امپریالیستی، در سالها و ماه های اخیر اوج بیسابقه ای یافته است. رهبران ج ۱۰ در حالی که سالیانه صدها میلیون دلار سلاح و وسایل یدکی تجهیزات نظامی، به بهانه اداه جنگ توسعه طلبانه با عراق، از آمریکا، انگلستان، آلمان فدرال، ایتالیا، اسپانیا، کوره جنوبی و اسرائیل خریداری می کنند، در ماه های اخیر برای جلب توافق امپریالیسم جهانی نسبت به فروش سلاح های استراتژیک به ج ۱۰ به رسوا ترین معاملات سیاسی پرداخته اند. آنان پوشش اقتصادی پیمان امپریالیستی سنتورا در قالب پیمان عمران منطقه ای احیا و آمادگی خوشبختی را برای شرکت در "شورای همکاری خلیج" اعلام کرده اند. تلاش برای جلب همکاری کودتاجیان رسوای ترکیه در سرکوب خلق کردرا (رفسنجانی رادیو ایران ۱۱ بهمن ۶۲) بایدگامی نویسن در راستای پیمان سنتو شمرد.

همسویی و همسانی سیاست های حکام ج ۱۰ با سیاست تجار و گرانه امپریالیسم جهانی، هر هفته ابعاد وسیع تری به خود می گیرد. ج ۱۰ در جنگ صلیبی تجار و زکاترین جناح امپریالیسم جهانی برای تضعیف اردوگاه سوسیالیسم مشارکت فعال دارد، و در حالی که روابطش را با دولت امپریالیستی گسترش می دهد، مناسبات با نیرو های انقلابی در منطقه خاورمیانه را تیره تر و محدود تر می کند. ج ۱۰ در جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان شرکت دارد، و با اسرا ریر اداه توسعه طلبانه جنگ با عراق در عمل به فراهم آوردن شرایط مناسب برای توسعه فعالیت نظامی تجار و زکاترانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه یاری می رساند.

در عرصه تأمین آزادی های دموکراتیک

حاکمیت ج ۱۰ که از دیرباز، با بهانه تراشی های گوناگون، و با سوء استفاده از اشتباهات نیروهای انقلابی، آشکار و مخفیانه به ایذا و عقیب و دستگیری و شکنجه و قتل انقلابیون، پرداخته که بنا بر قانون اساسی و حتی بنای بر این مورد تأیید رسمی دستگاه قضایی خویش اهی جز در گراندهی و دفاع از آماج هسا و ستاوردهای انقلاب نداشته اند، از سال ۶۱ با رش فبد منشانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریست) زمانده آزاد پهای دموکراتیک را نیز برپا گذاشت

می شود. به اعتراف سران ج ۱۰ روزانه ۳۲۲ میلیون تومان از دسترنج مردم صرف تأمین هزینه های جنگی می شود. خسارات اقتصادی جنگ به رقم سرسام آور ۲۰۰ میلیارد دلار نزدیک می شود. برای جبران این خسارت، نیمی از منابع زیر زمینی نفت ایران که می بایست صرف پایه ریزی اقتصاد مردمی و تأمین اقتصادی مردم محروم ما و نسل های آینده شود، باید به فروش برسد. بی گمان اداه جنگ با زمانده این ثروت ملی را نیز به باد خواهد داد.

صدها هزار تن دیگر از زحمتکشان میهن ما تا کنون در این جنگ کشته و زخمی و معلول شده اند، و صدها هزار تن دیگر به اجبار یا با عوامفریبی به جبهه ها گسیل می شوند تا به گوشت جلوی لوله توپ تبدیل شوند.

اما بدون شک بزرگترین قربانی و زخمی و معلول این جنگ خانمانسوز، انقلاب شکوهمند بهمن است. نمایندگان و مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، از شرایط ناشی از جنگ، بیشترین بهره برداری را در راستای مسخ انقلاب و ظفره رفتن از تحقق خواست های برحق مردم کرده اند.

پنج سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ملی و مردمی بهمن ۱۳۵۷، چنین وضع اسفناور و نگران کننده ای بر میهن ما حکم فرماست. در تاریخ خلق ها، ماهها و سالهای انقلاب، به سنگینی و پریاری سالها و دهساله ها می گذرند. در تاریخ سپید موی میهن ما نیز، دوره پنجساله انقلاب بهمن، از جهات گوناگون اهمیتی ایمن چنین داشته است.

توده های میلیونی مردم محروم و ستم کشیده ما که پنج سال پیش با جانبازی ها و ایثارگری های حماسی خویش، نظام ستم شاهی وابسته به امپریالیسم را سرنگون کردند، و نخستین گام پیروزمند را در راه دستیابی به آرمان های دیرینه خود، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برداشته در این پنجساله، در راه همپایی سراسری یا شکوه خویش به سوی این آماج ها، فزاز و نشیب های بسیاری را به چشم دیده اند. انسان در آتشفشان گذاران رویدادهای گوناگون، آبدیده شده اند. نمایندگان سیاسی سرمایه داران و بزرگ مالکان را کم و بیش به تجربه عینی شناخته اند. و میزان اصلویت و پایمردی گردان های مختلف نیروهای انقلابی را در پایبندی به آرمانهای انقلاب لمس کرده اند. این تجربه اجتماعی و تاریخی عظیم، پایه اصلی آگاهی ملی و طبقاتی ژرفی شده است، که هنگامی که به شکل انقلابی آنان فرا روید، دریر یا زود سرانجام پس بست انقلاب ملی دموکراتیک ایران را در هم خواهد شکست، و به سوی پیروزی نهایی راه خواهد گشود.

پارتیزان‌های توده‌ای در سنگرهای انقلاب

تجدید خاطره با یارانی که تا آخرین ذره هستی سوزان و آخرین نفس پهلوانی‌شان را به حزب و انقلاب هدیه کردند

در روزه سرزمین حماسه و قیام و خلق‌های بیداری که پیام انقلاب و رستگاری اند.

یک بار دیگر بهار پیروزی از تلاطم موج‌های شهدای بی‌شمار رنج و رزم - پهلوانان توده‌ای - طلوع کرد. آنان از سنگلاخ‌ها و خارزارهای اختناق آمدند. سنگرهای دشوار را پشت سر گذاشتند. اراجح خبیثه استبداد و شیطان پر افسون امپریالیسم، در هجوم وهیبتشان زخم برداشتند و به خاک افتادند.

در این تلاطم رزم و ایثار بود که پارتیزان‌های توده‌ای، اعضا و مسئولین حزب توده ایران در میدان‌های نبرد سلحانه به شهادت رسیدند. شهدای توده‌ای که در شش به شش مردم میارزیدند، آخرین دزهای رژیم پوسیده شاه و داروهایش را فتح کردند، با خون پاک خود یک بار دیگر حقانیت آرمان‌ها و صداقت انقلابی خویش را در عرصه عمل به اثبات رساندند و به صف طولانی سرخی که شهدای حزب توده‌ای ما به طول ۴۲ سال پیکار بی‌امان و پراز شکنجه و رنج و حماسه به وجود آورده‌اند، پیوستند.

حاصلخیز باد مرگشان که چون زندگیتان پسر از عشق و معنی مرد می‌بود.

رفیق شهید محمد جانجانیان، دبیر سندیکای کارگران بافنده سوزنی، در نبرد‌های خونین میدان ارک تهران به خاک افتاد. او که فعالانه در سنگر نیروهای انقلاب در جهاد و تلاش بود و از جمله در حمله انقلابی به کلانتری‌ها نیز شرکت داشت، هنگام نجات یک رزمده مجروح، هدف گلوله قرار گرفت.

محمد همیشه می‌گفت:

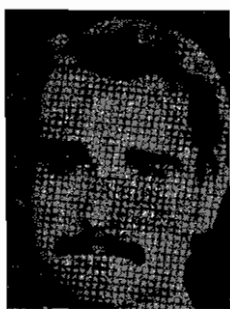
"حزب توده ایران مثل چشم‌های می‌ماند، همه به آن می‌تازند. روشن‌فکران خرده بورژوا، ارتجاع، سرسپردگان امپریالیسم... ولسی این چشمه هم چنان زنده است و می‌جوشد و همه این گل‌ولای را می‌شوید... سرانجام همه به حقانیت آن اعتراف خواهند کرد."

رفیق محمد جانجانیان به هنگام شهادت ۲۲ داشت.

در گوشه دیگری از میدان نبرد‌های سلحانه خلقان، خون یک دانشجوی مبارز توده‌ای، سرود آزادی را بر خاک نقش زد، رفیق خسرو مقصودی (دانشجوی سال پنجم دانشکده فنی دانشگاه تهران).

رفیق شهید در نبرد روز ۲۲ بهمن برای تصرف رادیو در میدان ارک به خاک و خون غلطید.

او آرزو دیگری بود در زمانه ما که جان خود را در تیر نهاد و قلب اهریمن ظلمت را نشانه گرفت. این پیام اوست که همت ابدی یک شهید را در قله آگاهی بر ملا می‌کند:



رفیق شهید خسرو مقصودی



رفیق شهید محمد جانجانیان



رفیق شهید علی مطلبزاده



رفیق شهید محمد سلطانتار

سند سپیدم

(به شهیدان انقلاب)

سند سپیدم در این مرغزاران خرم

چه کویان، چه تازان

بدان دیدگان درخشان

ز سبها چهند چه بس آذرخشان!

سند سپیدم در این دشتهای دلاویز

بدان یال ابریشم خام روشن

مگر آبخاری است در خیز و واریز؟

سند سپیدم بدان گامهای پیایی

هرق ریزد از موی الملمین رنگم

افق بستر خون بگشرد و بشرد

در آغوش خود تنگ تنگم.

"آنچه آموختیم، اینک باید به کار ببریم. یک روز، هر کله‌ای که می‌آموختیم و به دیگران می‌دادیم، پربار تر از صدها گلوله بود. و امروز هر گلوله پر معنی تر از هزاران هزار کله است."

رفیق خسرو مقصودی، راه حزب توده ایران را راه رستگاری نهایی جویندگان حقیقت می‌دانست و در این سنگر بود که تمامی ذرات هستی پر نعمت و پربار خود را نثار کرد - تا از این پذیر خون و شرافت، گل‌ها و میوه‌های فردا به بار آید.

نادر عبدالمناف (کارگر آرماتور بند) مدتی طولانی نبود که به یکی از شاخه‌های سازمان "نوسید" پیوسته بود. گشته بود و گشته بود، تا سرانجام میعاد گاه خوش را در وجود حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران که تاجی از خون و شهادت بر پیشانی بلنسد آن می‌درخشید، یافته بود.

این صدای اوست، صدای شهیدی که از مرگ قوی تر است: "کارگران و بازرگان، آنها باور دارند که راه ما به حق است. پیش از این چه می‌خواهیم؟"

در نظرگاه "نادر"، همه چیز در پرتو تارها بود و پرتو تارها همه چیز بود. جهان در چشم او با "کار" آغاز می‌شد و با "کارگر" مفهوم خود را به دست می‌آورد. او چه چیزی گرانبها تر از جانش داشت تا بر سر این سودا فدا کند؟

رفیق شهید نادر عبدالمناف در حمله به یک مرکز ساواک، در کوی اطباء تبریز، بر اثر اصابت گلوله به جمجمه‌اش به شهادت رسید. نادر به هنگام مرگ سلحشورانه‌اش فقط ۱۸ سال داشت. اما همین سالیان سرشار از کار و رنج یا همه کوتاهی نمونه‌وار بود.

رفیق شهید محمد سلطانزاد (معلم راهنمایی) در بحبوحه نبرد همه جانبه انقلاب و ضد انقلاب با رگبار پلیس آرماتور در فلکه مرکزی شهر خوی چون سرو شادابی ریشه کن شد. گلوله پیشانی او را شکافت و با مغز پریشان شده‌اش روی دیوار نقش یک جنایت و یک حماسه را توأمان تصویر کرد. در کنار این نقش، مردم شاخه‌های سرسبز سرور را به دیوار نصب کردند، تا تبرک این چنان عشق در یادها بماند.

علی مطلبزاده، رفیق دیگری بود که با ایمان و شجوری فراوان جان خود را نثار آرمان و راهش، راه طبقه کارگر ایران، راه حزب توده ایران کرد. این توده‌ای جوان در روز چهارم دی ۵۷ در جریان تظاهرات ضد امپریالیستی در برابر سفارت آمریکا در خیابان ظالمان، با رگبار گلوله بقیه در صفحه ۱۵

روند بازسازی پیمان تجاوزگروستو و سرکوب خلق کرد

با حاکم کردن سکوت گورستان در کردستان، مسئله ملی حل نخواهد شد

حکام ج ۱۰. همچنان به سرکوب خلق کسرد ادامه می دهند روزی نیست که اخبار "پاکسازی" مناطق کردستان از "لوث وجود ضد انقلابیون" در رسانه های گروهی منتشر نشود.

اخیرا نیز در عملیاتی به نام "رهائی قدس" یورش وسیعی به شهرهای مرزی کردستان انجام گرفت و طبق آمار منتشر شده ۳۰۰ نفر زن و مرد و کودک، بیرو جوان خلق کرد، قربانی لشکر کنسی خونین و جنایتکارانه نیروهای سرکوبگر ارتشی و پاسدار در این مناطق شدند.

همزمان با این لشکر کشی ها، اظهاراتی از سوی برخی مقامات درجه اول حاکمیت ج ۱۰ پیرامون مسائل کردستان انجام گرفت که از لحاظ مضمون و محتوی مهم نشانگر چرخشی است که در تمام سطوح در سیاست های ج ۱۰ به وقوع پیوسته و هم نمایانگر آن که حاکمیت ج ۱۰ کدام جهت و کدام راه را برای آینده "خسود" برگزیده است.

آقای رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، که در هفته های اخیر، در سخنرانی ها و خطبه های نماز جمعه خود، اغلب موضع گیری های گذشته اش را از جمله در مسایل مربوط به عدالت اجتماعی و لغو قرارداد های نظامی با آمریکا، پس گرفته و طوری وانمود می کند که گویا هرگز در این زمینه ها سخنی به سود پیشرفت انقلاب نگفته است، در مورد مسئله کردستان نیز اشاراتی در دیدار با سفیر جدید کشور "دوست و برادر" ترکیه کودتا زده و عضو پیمان ناتو، داشته است، که آن را می توان دنیاله کوششهای مزبور شمرد.

آقای رفسنجانی در بخشی از گفتگوهایی خود گفته است:

"شما دیدید که مردم کردستان را تحریک کردند، ولی ما در سخت ترین شرایط، حتی هدیه خود مختاری هم به آنها که در آنجا شرارت می کردند ندادیم و در نقطه مقابل این تصمیم، شما مسئله صدام را دیدید که خوشبختانه شما هم به ما نزدیک شدید... ما باید مواظب باشیم که فکر آشوب در مردم کرد ایجاد نشود" (راد یو ایران ۱۱ بهمن ۶۲).

ظاهرا آقای رفسنجانی، محتوی پیام ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸، آیت الله خمینی را که جنگ برادر کشی در کردستان را توطئه بدخواهان خواند و به مردم کردستان قول خود مختاری داد، نر اموش کرده است.

آیت الله خمینی در این پیام گفت: "در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق داره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشر نای ملت است، منجمله برادران کرده که دولت

جنگ، جنگ... تابدیت!

یکی از خبرنگاران، با تلاش بسیار، به یکی از مسئولان ج ۱۰ دسترسی پیدا کرد و این گفت و گو میان آن ها در گرفت:

خبرنگار: لطفا بفرمایید برای مشکل دهقانان و زمین های زراعتی چه فکری کرده اید؟

مقام مسئول: می دانید که ما درگیر جنگ هستیم و در شرایط فعلی نمی توانیم به این موضوع بپردازیم. ان شاء الله پس از خاتمه جنگ، دهقانان صاحب زمین و کود و یذر و آب و ماشین های کشاورزی خواهند شد و دیگر هیچ گونه نگرانی و ناراحتی نخواهند داشت.

— برای کارگران چه فکری کرده اید؟ قانون کار چه شد؟ افزایش دستمزد کارگران چه می شود؟

— در شرایط جنگی انتظار دارید بسیاری کارگران چه فکری کنیم؟ فعلا ما همه تسون و امکانات خود را بر مسئله جنگ متمرکز کرده ایم. پس از پایان جنگ کارگران عزیز ما از يك قانون کار مرفقی و از حقوق و مزایای فراوان برخوردار خواهند بود و دیگر کوچک ترین حقی از آن ها ضایع نخواهد شد.

— برای مسئله مسکن چه فکری کرده اید؟

— در شرایط جنگی مسئله مسکن قابل حل نیست. پس از خاتمه جنگ مشکل مسکن به طور اصولی حل خواهد شد و همه مردم، اعم از شهری و روستایی، صاحب مسکن مناسب خواهند شد.

— در باره گرانی و تورم و کمبود ها و بیسازار سیاه چه می گوئید؟

— همه این ها از عوارض مستقیم جنگ است. خودتان می دانید که جنگ چه هزینه سنگینی دارد. جنگ که پایان یافت، گرانی و تورم و کمبود ها و بازار سیاه هم به خودی خود از میان خواهد رفت.

— برای مسائلی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و رفاه و سواد آموزی چه برناهای دارید؟

— برناها!؟ الان تنها برنا ریزی با برای جنگ است. بعد از پایان یافتن جنگ برای این چیزها هم فکری خواهیم کرد و برنا های خواهیم ریخت.

— برای زنان و کودکان و جوانان چه می کنید و چه خواهید کرد؟

— زنها که باید در خانه بمانند و آش و آبگوشت بپزند. این جهاد آنهاست. اما کودکان و جوانان باید به جبهه بروند و بجنگند. جنگ که خاتمه یافت، مسائل آنها مطرح خواهد شد.

— لطفا مکن است بفرمایید جنگ چه موقع تمام می شود؟ اگر بغداد را بگیرد و صدام را ساقط کنید، جنگ تمام خواهد شد؟

— تمام!؟ به! تازه شروع می شود! بعد از سقوط بغداد، قلب استخبار جهانی را نشانه می رویم و پایه های دنیای کفر و الحاد را به لبرزه در می آوریم!

جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می باشد.

آقای رفسنجانی همچون دیگر رهبران ج ۱۰ بلاین گونه اظهارات، از این شعار که ما هیچ وعده ای ندادیم و مقید به انجام آن وعده ها نیز نیستیم، بی روی می کند.

نکته دیگری که در گفته های آقای رفسنجانی جلب توجه می کند، تأکید ضمنی سرکوب خلق کرد توسط دولت فاشیست ترکیه است که نه تنها در مرزهای خود بلکه فراتر از آن در عراق نیز انجام گرفته و می گیرد.

هیچ کس لشکر کنسی ترکیه به کردستان عراق را که با آگاهی و موافقت رژیم صدام انجام گرفت و سرکوب پایگاه های انقلابی، حزب کمونیست عراق و حزب دحکرات کردستان عراق را هدف خود داشت فراموش نکرده است. سکوت تأیید آمیز رهبران ج ۱۰ در آن مقطع، چنین تأیید آشکاری را نیز باید در پی داشته باشد. به دنبال همین موضوع - گیری ها است که آقای رفسنجانی باید از اینکه: "شما (ترکیه) هم به ما نزدیک شدید" اظهار رضایت کنند.

رهبران ج ۱۰، نه تنها سرکوب مبارزات حق طلبانه خلق کرد در ایران را طلب می کنند بلکه خواهان آنند که این عمل در مناطق دیگر نیز صورت گیرد.

از این روست که آقای رفسنجانی می گوید:

"ما (ایران و ترکیه) باید مواظب باشیم که فکر آشوب در مردم کرد ایجاد نشود". چنانکه از اظهارات آقای رفسنجانی پیداست، ایجاد فاجعه ای که میهن و انقلاب ما با آن رو پرست از سرکوب و خشیان خلق کرد فراتر می رود.

سخن بر سر دهن تمامی وعده های دشمن هرگز گذشته و حرکت به سوی هماهنگی کامل با عمل امپریالیسم در منطقه و گام نهادن در راه احیای پیمان تجاوزگروستو است.

اما سران ج ۱۰ پیسوده به راه حل های ارتجاعی و امپریالیستی برای حل مسایل اساسی میهن ما پناه می برند. اگر مسأله ملی با اتحاد ارتجاع منطقه قابل حل بود، تا کنون حل شده بود. به فرض محال اگر ج ۱۰ به یاری دست نشانگان امپریالیسم در منطقه موفق شوند همه آزادی خواهان کرد را از دم تیغ بگذرانند و سکوت گورستان را بر این بخش از میهن ما حاکم کنند باز هم مسأله ملی در کشور چند ملیتی ما از میان بر نخواهد خاست. دیر یسا زود، فرزندان این خلق دلاور جای پدران و برادران خود را خواهند گرفت و دوباره استقلال و آزادی برای سراسر ایران و خود مختاری برای کردستان را خواستار خواهند شد.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اقدامات توطئه گرانه و سرکوبگرانه علیه سازمان فدائیان خلق ایران

مردم مبارز ایران!

در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب بهمن ، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وارگانهای سرکوب آن در جهت برآوردن اهداف و به منظور جلب اعتماد امپریالیسم ، در نظر دارند توطئه سرکوب گسترده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اجرا گذارند .

مردم ما به خاطر دارند که سال قبل نیز در چنین روزهایی توطئه از قبل تدارک دیده شده علیه حزب توده ایران توسط ارگانهای سرکوب به اجرا گذاشته شد و گروه کثیری از رهبران ، کادرها و اعضای حزب توده ایران دستگیر و در زندانها به زیر شکنجه جلادان سپرده شدند اینک نیز در آستانه پنجمین سالگرد انقلاب ، آقایی ری شهری حاکم شرع دادگاههای ارتش اعلام داشته است که حکومت در نظر دارد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را غیر قانونی اعلام کند! او در مصاحبه ای که روز شنبه اول بهمن ماه به منظور اعلام احکام دادگاههای فرمایشی علیه افسران میهن پرست و گروهی از اعضای حزب توده ایران ترتیب داده بود، علت به تعویق افتادن احکام از پیش صادر شده عدهای از افسران را ارتباطات احتمالی آنها با سازمان فدائیان خلق ایران توضیح داد و توطئه حکومت علیه سازمان ما را آشکارا اعلام نمود .

هم میهنان قهرمان و انقلابی!

مدهاست که ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب جمهوری اسلامی ایران ، توطئه " سرکوب اعلام نشده " سازمان ما را به اجرا گذاشته اند . به ویژه در یک ساله اخیر پیگرد، تعقیب و دستگیری کادرهای سازمان به خصوص کادرهای رهبری سازمان در دستور کار ارگانهای سرکوب رژیم قرار داشته است . آنها هر چه در توان داشتند به کار بستند ، و به ردیالته ترین و مشتمل کننده ترین شیوهها متوسل شدند تا بلکه بتوانند کادرهای رهبری سازمان را به دام اندازند . تورهایی وسیع تعقیب و مراقبت به راه انداختند ، خانواده های اعضای رهبری سازمان و زندانیان اسیر فدائی را تحت فشار قرار دادند ، چند تن از کادرهای سازمان را که بیش از دو سال قبل خود سرانه بازداشت کرده بودند به زیر شلاق کشیدند تا به رهبران سازمان دست یابند . اما هوشیاری و کمک های پیاپی رگانه فعالین سازمان این توطئه ها را خنثی کرد . و اکنون ما مورین شکنجه و سرکوب که در این توطئه ناموفق بودند چند ماه است عدهای از کادرهای سازمان را در سلسله های امین شکنجه می کنند و از آنها می خواهند که شرف انقلابی خود را لگدمال کنند . به دنبال این سلسله اقدامات ناجوانمردانه ، امروز آقایی حاکم شرع ! اعلام می کند که سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت) را غیر قانونی اعلام خواهد کرد و رسانه های گروهی مطلقاً انحصاری حکومت ، همنا با رادیوهای امپریالیستی و ضد انقلاب کوشش می کنند زمینه های لازم جهت سرکوب سازمان را تدارک ببینند و به خیال خود افکار عمومی را آماده نمایند .

مردم مبارز ایران!

امسال پنجمین سالگرد انقلاب بهمن در شرایطی برگزار می شود که حکومت جمهوری اسلامی در همه جهات راه تقابل و جدایی با شما را در پیش گرفته است و در راه شکست انقلاب و برای تحکیم نظام سرمایه داری و گشودن میدان برای چپاولگری کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان گام برمی دارد . کوشش برای نزدیکی هر چه بیشتر به غرب و تلاش به منظور جلب حمایت امپریالیسم آمریکا ، به امج رساندن کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی و به کار گرفتن همه امکانات خود برای سرکوب خونین تمام نیروهای انقلابی ، امروز مشخصه سیاست جمهوری اسلامی ایران است . در چنین شرایطی پیگیری قاطعانه سازمان در دفاع از انقلاب و مردم و مخالفت قاطع سازمان با سیاست های حاکم ، خشم روز افزون ارتجاع را برانگیخته و برنامه سرکوب گسترده سازمان را در دستور کار آنان قرار داده است .

مردم قهرمان ایران!

بشريت آگاه و ترقی خواه جهان!

افشای سیاست های سرکوبگرانه و توطئه آمیز حکومت جمهوری اسلامی ، امروز يك وظیفه خطیر انقلابی است . ما از همه مردم زحمتکش و انقلابی میهن و از همه نیروهای مترقی در سراسر جهان ، از همه احزاب ، سازمانها ، انجمنها ، جمعیت ها و شخصیت های بشر دوست و آزادی خواه می خواهیم که بانگ اعتراض خود را علیه همه جنایاتی که در میهن ما می گذرد رساتر سازند .

امروز مردم و انقلابیون میهن ما ، در مبارزه خود علیه این جنایات و برای پایان دادن به ترور سرکوب و خفقان ، بیش از هر زمان دیگر به همبستگی ملتها نیاز دارند . صدای خود را علیه سرکوب و شکنجه و اعدام بلند کنید ، از سازمانهای انقلابی و مترقی و زندانیان سیاسی دفاع نمائید و اقدامات جدید سرکوبگرانه رژیم علیه سازمان فدائیان خلق ایران را افشاء و محکوم سازید .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۲

زد و بندهای پنهان حکام ج.ا.ا. با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

سوئد در ایران کارخانه تر و تیل می سازد

د و شرکت سوئدی با نامهای نوبل شماتر و اسکنسکا سنت یوتی بیت در ایران کارخانه تولید مواد منفجره می سازند . این کارخانه در يك منطقه کوهستانی تقریباً غیر قابل دسترس نزد يك شهر اصفهان بنا خواهد شد .

بر اساس اخبار روز سه شنبه تلویزیون سوئد در همین منطقه که از لحاظ نظامی محافظت می شود ، ساختن يك کارخانه تولید مهمات جنگی مواد منفجره نیز برناه برزی شده است . کارخانه مزبور ، اقدام به تولید اسید کلرید ریک و اسید سولفوریک خواهد نمود که این مواد به نوبه خود تولید تر و تیل (تری نیترو تولوئن) به کار خواهند رفت .

اجرای این پروژه که قرار داد آن در سال ۱۹۷۸ بسته شده و متحاب سقوط شاه عملیات اجرایی آن متوقف شده بود ، مجدداً به پیمانکار شرکت سوئدی اسکنسکا سنت (ریخته گسری یوتی بیت) آغاز شده است .

شرکت نوبل شماتر که در اجرای این پروژه سهیم است متعلق به کنسرن بوفورس - دارنده بزرگترین کمپانی تولید اسلحه و مهمات جنگی د اسکاندیناوی است .

بر اساس گزارش تلویزیون سوئد ، این پروژه به بهای معادل هفتصد (۷۰۰) میلیون کسرون بزرگترین قرارداد ای است که در نوع خود تا کنون با این شرکت بسته شده است .

طبق همین گزارش صادرات سوئد به ایران ، ۱/۳ میلیارد کرون در سال ۸۲ به ۳ میلیارد کرون در سال ۸۳ افزایش یافته است .

بنا بر اخبار روزنامه های سوئد روز ۲۱ ژانویه عراق تهدید کرده که چون این کارخانه اسلحه سازی است ، آن را بجاران خواهد کرد و دولت سوئد باید از ساختن آن صرف نظر کند . روزنامه اضافه می کند که جان ۱۰۰ نفر سوئدی در ایران در معرض خطر قرار گرفته است . دولت سوئد با مقامات عراقی در این رابطه تماس گرفته است . (به نقل قول از روزنامه سوئدی " واگس نی هتر و اخبار تلویزیون سوئد)

" راه توده " با تشکر از فرستنده این خبر خواهان همیاری همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه ایران ، در افشای زد و بند های پنهان حکومت ج.ا.ا. با امپریالیسم جهانی به سرکردگ امپریالیسم آمریکا است .

تحولات طبقاتی درجا

انقلابی ملی و دموکراتیک میمان، توده‌ها، سازمان دادن و رهبری جنبش انقلابی ایفا کردند. در این میان، به دلایل خاص، نقش روحانیون و روشنفکران مذهبی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

روشنفکران، به طور عمده و بسته به مکانی که در نظام تولید و توزیع اجتماعی اشغال می‌کنند، و بسته به میزان درآمد و عوامل سیاسی و فرهنگی، هم چون دیگر اقشار میانه، در تحلیل نهایی همواره به سوی منافع یکی از طبقات اصلی اجتماعی سمت‌گیری می‌کنند و به خدمت آنها در می‌آیند. در جریان گسترش و زرفش انقلاب مخالفت با استقرار نهاد های استبدادی و نهاد های ارتجاعی قضایی و گرایش های علم ستیزی و هنر ستیزی حاکمیت، تا حدود معینی مستقل از محتوای طبقاتی، نقش مهمی در سمت‌گیری سیاسی روشنفکران ایران ایفا کرد. به این ترتیب کسبه میان روحانیون و روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی متجدد و نوگرا، با شیوه تولید بزرگ پیوند داشتند، و روشنفکران مذهبی و روحانیون کهنه پرست و سنت‌گرا کسبه ساختارهای سنتی تولید و توزیع پیوند داشتند، نیز کم و بیش مرز بندی ویژه‌ای به عمل آمد. این مرز بندی نیز پیوندی است که در میان روشنفکران و دیکرات ملی را در کنار دشمنان و مخالفان پیشرفت انقلاب قرار داد، و چه بسا روشنفکران مذهبی ضد امپریالیست و مردمی را به سازش با امپریالیسم و ارتجاع سوق داد.

حزب ما در آموزش این نکته تعیین کننده به روشنفکران انقلابی ایران که در برزخ خود با روشنفکران مذهبی و روحانی، گرایش عمده آنان را از گرایش‌های غیر عمده جدا کنند و متحدان سیاسی و طبقاتی خود را به طور عمده بر اساس سمت‌گیری ضد امپریالیستی و خلقی آنها برگزینند، نه بر اساس جهان بینی و جامعه و شیوه زندگی، نقش چشمگیری ایفا کرد. بی شک در برآمد های انقلابی آینده، تأثیر این آموزش بیش از پیش خود نمای خواهد کرد.

امروز در محیط روشنفکری ایران، از دیربستان ها و دانشگاه ها تا دادگستری و ادارات و پادگان ها و هنرکده ها، قشری گسسته و انحصار طلبی ضد دموکراتیک، با گرایش های علم ستیزی و هنر ستیزی و خرافه پرستی در آمیخته است. اصحاب عناصر مترقی فرهنگ ملی ایران، ناراضیاتی قزاقانده ای را در میان روشنفکران ملی و دیکرات دامن می زند. با تسلط نمایندگان زمین داران و سرمایه داران بزرگ بر حاکمیت و همکاری و همسویی هر چه بیشتر حکومت با امپریالیسم جهانی، این ناراضیاتی ها دوباره دست مله گرد های بیچاره و دم افزون توده روشن فکران انقلابی، در صفوف حبیبه نیروهای ضد امپریالیست و مردمی شده اند.

بازمان های سیاسی اقشار بینابینی

۱- طرفداران "عدالت اسلامی"

بیشتر سیاستمداران و روحانیون پیرو آیت در میان نیروان آیت الله خمینی - الله خمینی - صرف نظر از جناح راست پیروان - ملاک آنان - از نظر پایگاه طبقاتی و گرایش های عام ملی و دموکراتیک، و سمت گیری سیاسی در سالهای پیروزی و گسترش و زرفش انقلاب، سخن گویان منافع اقشار میانه جامعه ایران - روشنفکران مذهبی و به ویژه دهقانان و کسبه و پیشه وران میانه حال که با ساختارهای سنتی تولید و توزیع پیوند داشتند، بودند بسیاری از رهبران برجسته روحانی این جناح، از جمله آیت الله مطهری، آیت الله بهبهشتی، حاجت الاسلام با هنر و هاشمی رفسنجانی از سالها پیش از انقلاب بهمین معارج از سازمان سنتی روحانیت به حرفه های روشنفکری اشتغال داشتند. آنان طی سالیان مبارزه با رژیم شاه و همکاری با شخصیت ها و نیروهای دموکراتیک انقلابی، دکتر شریعتی، آیت الله طالقانی و رهبران سازمان مجاهدین خلق، و نیز آشنایی با مبارزان حزب توده، ایران در زندانهای شاه، کم و بیش تحت تأثیر این نیروهای انقلابی پیگیر بودند.

نظریات ایدئولوژیک و سیاسی آنان، به طور عمده حول محوری که به قول آیت الله بهبهشتی، "خط انقلاب" و "خط ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و ضد سرمایه داری" بود، شکل می گرفت. در نظریات آیت الله مطهری مجموعه یا نسبه منسجمی از نظریات اقتصادی ضد سرمایه داری وجود دارد. کار پیوه سیاسی اصلی آنان قانون اساسی بود که بخش های مهمی از آماج های انقلاب در آن بازتاب یافته بود.

نقطه ضعف ایدئولوژیک اساسی آنان، گرایشهای قشری به استقرار نهاد های استبدادی و ارتجاعی در نظام سیاسی و قضایی و اجتماعی جامعه بود که سوظن و مخالفت شدید نیروهای انقلابی و دموکراتیک پیگیر را برمی انگیزد و مطنع اصلی در راه

"راه شوم" برای آشنایی بیشتر خوانندگان خود با نظامین طبقاتی و طبقه بندی هر کسبه مرکزی حزب توده ایران، طی سلسله مقالاتی به تشریح این مسائل پرداخته است. در مقالات گذشته بررسی آماج های انقلاب بهمین و درجه تحلیلی آنها و بررسی تحولات طبقاتی در جامعه ایران را به پایان رسانده ایم و در ادامه این بحث دیگر تحولات طبقاتی، آماج و نقش انقلاب، چرخش به راست حاکمیت و دلایل آن، ترکیب کوشی حاکمیت، و وظایف حزب ما را در دیدگاه طبقه بندی کسبه مرکزی حزب توده، ایران بررسی خواهیم کرد.

اقشار بینابینی

خرده بوروازی شهری

طیف گسترده ای که در یک سوی آن پیشه وران و کاسبکاران مرفه، و در سوی دیگر آن خود زحمتکشان تهیدست، و حاشیه نشینان شهرها قرار دارند، نقش مهم و بسیار فعالی در تظاهرات، اعتصابات سلامت آمیز و خشونت آمیز و قیام پیروزند بهممن ایفا کردند و پس از انقلاب نیز بخش وسیعی از جمعیت فعال انقلابی در شهرها را تشکیل می دادند.

تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کوچک که بر اثر سیاست ضد ملی اقتصادی در های باز رژیم شاه و تورم شتابان ناشی از آن، اختناق و فشار ساواک، رشوه گیری و غارت مالیاتی که در جریان به اصطلاح مبارزه با گران فروشی به اوج خود رسید، تحت فشار شدید قرار گرفته بودند، هر روز بیشتر به سوی عصیان علیه رژیم شاه کشانده شدند. "گزارش هیأت سیاسی به یلنوم شانزدهم - اسناد و اطلاعات ص ۵۴" افزایش سریع جمعیت شهرهای ایران در سالهای آخر حکومت شاه، از جمله به حساب افزایش چشمگیر شمار تهی دستان و حاشیه نشین شهرها - که هیچ گونه آینده روشنی پیش روی خود نمی دیدند، تأمین شد. بحران اقتصاد کشاورزی این توده را از روستا کنده و به شهرها کشانده بود، بی آنکه رشد ناموزون و انگلیسی صنعت وابسته در شهرها، امکان کار و ارتزاقی دائمی برایشان فراهم آورده باشد. بخش بزرگی از این گود نشینان و زافه نشینان که یا دستفروشی و کارگری فصلی امرار معاش می کردند، محصلت های خرد و سوزوایی و نیه پولتزی پیدا می کردند، بخش هایی به صقیوف لومین پولتزا می پیوستند، بسیاری از آنان هم چنان با زندگی دهقانی در ارتباط بودند.

دهقانان به شهر آمده که به تعداد صدها هزار در کدالها و زافه ها و کلیه های گلی در "حلبی آباد" ها و "زورآباد" ها و یا در زیر چادر بسا در زندان ترین شرایط فقر و محرومیت به سر می بردند و می برند و اکثر با توسل به اشتغالات فصلی نانی به دست می آورند، بخشی از مبارزان جنبش ملی و دموکراتیک را تشکیل می دهند. (اسناد پلنوم شانزدهم - همانجا - ص ۵۳).

در سال های پیروزی انقلاب در حالی که لایه های از سرمایه داران کوچک و کسبه و پیشه وران ثروتمند که اعتبارات دولتی و کانهای دولتی توزیع و تهیه مواد خام دسترسی داشتند، به منافع قابل توجهی دست یافتند، وضع توده پیشه وران و کسبه ایران و تهی دستان حاشیه نشین شهرها به هیچ وجه بهبود نیافته است. تورم روز افزون و بحران ریشه دار اقتصادی، بردوش آنان سنگینی می کند و صرف نظر از بخش هایی از آنان که به صورت مزد بگیر در نهاد ها و بنیاد های مختلف و به ویژه در سپاه و ارگان های سرکوب گر رژیم جذب می شوند، توده اصلی هم چنان در نهایت استیصال میان دو راه عجز شدن به شعارهای موافق فریبانه رجوع، و یا تحمیل گرایشهای ریشه ای انقلابی سرگردانند.

تظاهرات و حرکت های خود جوش مردمی در میان زحمتکشان شهرها در ماه های اخیر، از جمله تظاهرات گسترده موخوین افسریه تهران در تابستان ۶۲، تکایت از گسترش بی سابقه ناراضیاتی و گرایش به مقاومت در میان آنان دارد.

روشنفکران

توده روشنفکران ایران، آموزگاران، عکار - زندان بخش دولتی و خصوصی، افسران و رجه داران، پزشکان و کلای دادگستری، دانش آموزان و دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و دانشمندان و هنرمندان و روشنفکران مذهبی و روحانیون، با همان سردگی که اغلب سبب انقلاب های رهایی بخش دوران ما دیده می شود، در انقلاب بهمین شرکت کردند. در این میان پیروه باید به نقش پراهمیت دانش آموزان بیرستانی و دانشجویان اشاره کرد.

روشنفکران ایران، صرف نظر از بخشی که به صورت قشر بوروکراتیک - نظامی رها یاری وابسته در برزخ انقلاب قرار گرفتند، نقش چشمگیری در پیردن آگاهی

ایران در انقلاب بهمن

ق گرایش های ضد امپریالیستی و مردمی آنان بود .

پس از سرنگونی بنی صدر ، از میان این گروه برخی شخصیت ها و سیاستمداران ز شدند که تحت لوای جستجوی " راه سوم " میان سرمایه داری و گرایش های ایگ ، به تدارک سازش با امپریالیسم و جناح راست پیروان آیت الله خمینی - دگان نوبن کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی - پرداختند . این گروه که نماینده ر مرفه خرده بورژوازی و سرمایه داران کوچک بودند ، به طور عمده در حزب ج ۱۰ ده و تحت رهبری رئیس جمهور خاندانهای عمل می کردند . آنان بعد ها به " تسلیم طلبان " معروف شدند .

آیت الله خمینی که در سالهای نخست شکل گیری و پیروزی انقلاب ، از نظر می و تشکیلاتی به طور عمد از جناح چپ پیروان خود پشتیبانی می کرد ، از سال اشکارا به تقویت و پشتیبانی جناح راست و میانه (تسلیم طلب) پیروان پرداخت .

نقش تعیین کننده ضعف های مجموعه این نیروها ، در به شکست کشاندن س د و ریسپور آینده به تفصیل بررسی می شود . در این جا یاد آوری می کنیم که می که در اسناد حزبی از " حاکمیت " یا " روحانیت حاکم " یاد می شود ، منظور به پیروان آیت الله خمینی همراه یا روحانیون و مراجع تقلید سازشکار و حجتیه ست که آنان نیز همواره در حاکمیت حضور داشته اند و پیش از این نقش آنان ی شد :

۱- پلنوم بر آنست که روحانیت حاکم ، نه نماینده یک قشر معینی از طبقه معین ، نمایندند قشرهای گوناگون طبقات و لایه های مختلف جامعه از کلان سرمایه داران و مالکان گرفته تا بورژوازی متوسط و کوچک و خرده بورژوازی است . (اسناد م هجدهم - ویژه نامه " راه توده " - ص ۷) .

۱- شخصیت ها و گروه های کوچک دمکرات و انقلابی

در میان گروه ها و شخصیت های برجسته ملی و دمکراتیک ، که نفوذ قابل توجهی در نیروهای انقلابی داشتند ، از دکتر شریعتی و آیت الله طالقانی فقیه و گروه ای مسلمانان مبارز (امت) می توان نام برد که در نظام نظریات آنان گرایش ر به مدار دمکراتیک و انقلابی غالب است . از بسیاری از روشنفکران دمکرات و که در سازمان های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مختلف فعالیت می کردند نیز همین ردیف می توان نام برد .

گروه ها و سازمان های انقلابی دمکراتیک " چپ رو " چون سازمان چریکهای ملی خلق (اقلیت) و " راه کارگر " نماینده جناح چپ روشنفکران انقلابی ایران ند (رهک اسناد پلنوم هجدهم) - گروه ها و سازمان های مائوئیستی و " چپ " که تأثیر مخرب عمیقی در گسترش و زرفش انقلاب باقی گذاشتند ، بخشهای حاله یافته و تپا شده و به بن بست رسیده این روشنفکران را نمایندگی می کردند .

سازمان مجاهدین خلق ایران

در میان طیف سازمان ها و جریان های ملی و دمکراتیک که از دهه چهل تحت هدین خلق ایران ، به عنوان نماینده برجسته جناح چپ دمکراسی انقلابی ن ، همواره وزن و اهمیت ویژه ای داشته است .

بنیان گزاران سازمان مجاهدین ، از همان آغاز فعالیت خویش ، با شهامت و صراحت تمام ، هم چون دیگر دمکرات های انقلابی پیگیر دوران مساد ر سر جهان ، سوسیالیسم علمی را به مثابه اسلوب شناسایی علمی پذیرفتند ، و آن را در رد وین ایدئولوژی و در پرتاب انقلابی ق به کار گرفتند ، و طی سالهای نبرد قهرمانانه با رژیم شاه به آن وفادار ماندند . سال های شکل گیری ایدئولوژی مجاهدین ، سالهای رواج مائوئیسم و گرایش " چپ نو " در ایران بود . از این رو ایدئولوژی و نظریات و برنامه های مان مجاهدین خلق از آغاز ، نه تنها حامل گرایش های لیبرالی و سکتاریستی و راجیانه معمول در همه جریانهای انقلابی دمکراتیک چپ بود ، بلکه بخش های تا منسجمی از نظریات مائوئیستی و " چپ نو " را - به عنوان سوسیالیسم - در خود جایگزین کرده بود . مجموعه این گرایشها بعد ها در سازمان کرد و به پیوند های سازمان با جریانهای ملی و فیددیکتاتوری در میان پیروان اله خمینی - که طی سالهای طولانی همکاری مبارزاتی با مجاهدین خلق چه

شدت تحت تأثیر سازمان مجاهدین قرار داشتند - لطمه زد .

پس از کودتای گروه مائوئیستی در سازمان مجاهدین خلق - که به موقع خویش مورد اعتراض شدید حزب توده ، ایران قرار گرفت - شکاف میان سازمان مجاهدین و گرایشهای ملی و مردمی در میان پیروان آیت الله خمینی گسترش یافت . سیاست سکتاریستی سازمان مجاهدین در قبال پیامد های این تفرقه افکنی خرابکارانه ، و سپس در جریان سالهای پس از انقلاب بهمن ، در جدایی مصنوعی سازمان مجاهدین خلق ایران از روند تکامل و زرفش انقلاب نقش داشت .

این مسایل پایه عینی سو تفاهات تحقیر میان حزب توده ، ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بود که پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ، ایران آن را " به زیان نهضت ضد امپریالیستی مردم میهن ما " ارزیابی و خواستار " تجدید نظر مثبت در این روابط " شده است . (اسناد پلنوم هجدهم - همانجا ص ۹) امروز در جریان زوال انقلاب بهمن ، بار دیگر شرایط تاریخی ویژه ای فراهم آمده است که طی آن سازمان مجاهدین خلق ایران ، به مکان و نقش شایسته خویش در روند تکامل انقلاب شکوهمند بهمن دست یابد .

طبقه کارگر

جنبش اضمحالی توده گیر و توانمند طبقه کارگر ایران ، به ویژه پرولتاریای صنعتی ایران (رهک اسناد پلنوم هجدهم - همانجا - ص ۷) ، ضربه اصلی و کاری را بر دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم وارد آورد :

" نیا اطمینان می توان گفت که در میان نیروهای محرکه انقلاب کنونی کشور ما نقش طبقه کارگر قهرمان ایران نقش درجه اول بوده است . این امر خود از ضامن های مهم گسترش بازهم بیشتر انقلاب ملی و دمکراتیک و تحقیق آن در جهت خواست های قشرهای صمیم مردم است (گزارش هیأت سیاسی به پلنوم شانزدهم - اسناد و اعلامیه - ص ۵۶) -

طبقه کارگر ایران ، هم اکنون نیز به عنوان یک نیروی بالنسبه متشکل که سمت گیری نهائی اش از اهمیت سیاسی فراوان برخوردار است ، در صحنه نبرد انقلابی حضور فعال دارد . جمعیت طبقه کارگر ایران ، به سبب اشکال در محاسبه شمار کارگران فصلی و ساختمانی و کارگران کشاورزی و کارگاه های کوچک سرمایه داری و پیشه وری بین ۵ - ۳ میلیون تخمین زده می شود که بیش از نیم میلیون نفر از آنان پرولتاریای صنعتی محسوب می شوند .

بخش اعظم کارگران ایران ، دهقانان و زحمت کشان تپی دستی بوده اند که در دهه های چهل و پنجاه به صفوف طبقه کارگر پیوسته اند . بسیاری از آنان هنوز با تولید کشاورزی و پیشه وری پیوند دارند . سنت های مبارزاتی آنان اغلب به سال های پنجاه ، سالهای آغاز گسترش بحران منتبسی به سرنگونی شاه و دوران انقلاب باز می گردد . در این سالها مبارزات طبقه کارگر ایران به طور عمده به صورت خود به خودی و تحت رهبری نیروهای غیر پرولتاری صورت می گرفت . این عوامل موجب ضعف نسبی آگاهی سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر ایران بود که خود به خود به آنجا انجامید که این طبقه پیش از انقلاب ، در حاکمیت برآمده از قیام بهمن نمایندگی نداشته باشد .

سازمان های صنفی و سیاسی طبقه کارگر و گسترش مبارزات کارگران

در حال حاضر در جریان تشکیل صنفی کارگری عمده در ایران وجود دارد . نخست جریان تشکیل صنفی مخفی " همبستگی " تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر که علی رقم سرکوب ارتجاع هم چنان زنده است و به مبارزه ادامه می دهد ، این جنبش در سالهای زرفش انقلاب در میان کارگران صنوف گسترش یافت اما در میان کارگران کارخانه ها هنوز محدود بود .

زنان مترقی سراسر جهان برپایی دادگاههای نظامی و پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک زندانیان سیاسی مترقی در ایران را محکوم می کنند

محکوم کردن برهائی دادگاههای درست نظامی برای افرادی که سالیان سال در راه استقلال و آزادی میهن و پیشبرد منافع زحمتکشان مبارزه کرده اند، آزادی آنان و سایر دمکراتهای دربند و انجام محاکمات به صورت علنی با شرکت ناظران بین المللی را خواسته گردید هاند .

کمته ، همچنین قطع فوری شکنجه زندانی را به دست درخیمان رژیم ج ۱۰ و بررسی وضع آنان را از طرف پزشکان و حقوقدانان بین الملل طلب کرده است .

اتریش

" گروه کار زنان نسل جوان ، مربوط به جز سوسیالیست اتریش " در وین ، طی ارسال نامه به مقامات حکومتی ج ۱۰ ، نقشی را که زنان قهرمان ایران با فدائاری و ایثار بی نظیر در پیروزی رساندن انقلاب میهن ما ایفا کردند ، شمرده و تأثر و نگرانی عمیق خود را نسبت به رفتاری که اکنون در مورد این زنان اعمال می شود ابراز کرده هاند . آنان قید کرده هاند که بازداشت شکنجه زنانی که گناهی جز مبارزه در راه استقلال کشور و پیروزی وضع زحمتکشان ندارند ، توهین به مردم و به انقلاب ایران است . آنها خواسته شد هاند که به وضعیت جسمی و شرایط حقوقی زنان زندانی رسیدگی شود ؛ مفاد صرحه د

کنوانسیون بین المللی حقوق بشر ، در مورد آنان اجرا شود و همگی آنان از زندان آزاد گردند .

● اتحادیه " زنان دمکرات اتریش در زالسبورگ از طریق ارسال نامه به سفارت ج ۱۰ در وین ، ۲۳ دسامبر (۲ دبی) مراتب نگرانی خود را نسبت به رویداد های اخیر کشور ما یعنی غلبه راستگرایان در حاکمیت و سرکوب نیروهای مترقی به خاطر پیش برد اهدا ف ارتجاعی سردمداران حکومت ، ابراز داشته و پ نام زنان دمکرات اتریش ، شکنجه و وحشیانه اعضای حزب توده " ایران و محاکمه آنان را پس پایه " اعترافات " به دست آمده زیر شکنجه محکوم کرده است .

اتحادیه همچنین خواسته است که محاکمات به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی انجام گیرد ؛ موازین حقوقی بشر در مورد متهمان رعایت شده و شکنجه زندانیان پایان پذیرد . اتحادیه زنان دمکرات ، در پایان ، ضمن ابراز همبستگی عمیق خود با زندانیان توده ای و سایر دمکراتهای دربند ، آزادی فوری آنان و باز شناختن حقوق حقه انسانی را در مورد ایشان طلب کرده است .

شوم ارتجاع و امپریالیسم به منظور سرکوب نیرو های مترقی در میهن ما یا تشکیل این دادگاه ها کسب می کنند ، نهاد های دمکراتیک ، سازمان های زنان و شخصیت های مترقی به اقدامات سریع جهت قطع محاکمات و نجات متهمان از دام این توطئه ، دست زدند . از جمله ایسن نهاد ها :

" اتحادیه ملی زنان فرانسه " در استان پویش دورن - مرکز ماری است - که طی مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰ در ایسن کشور در تاریخ ۹ دسامبر (۱۸ آذر) برگوازی جلسات غیر علنی محاکمات را محکوم کرده ، تأمین حقوق قانونی متهمان را خواستار گردیده است .

آلمان فدرال

کمته " زنان خارجی و آلمانی در فرانکفورت - آلمان فدرال - در این رابطه ، به مخابره تلگرامی خطاب به مقامات حکومتی و مجلس شورای اسلامی ایران مبادرت ورزیده و ضمن



گناه خریفان و زنان ما میهن پرستی واقعی آنها است !

همبستگی نیروهای مترقی در سراسر جهان با زنان دمکرات در بند ایران ، هر روز عرصه تازه ای می یابد . سرنوشت زنان مترقی زندانی که اکنون در شرایط سخت و زیر فشار و شکنجه زندانیان ج ۱۰ قرار دارند نگرانی و اعتراض نیروهای مترقی جهان را برانگیخته است . آنان نمونه رفتار رژیم ج ۱۰ را با زنان ، در عرصه اجتماع به اصطلاح آزاد ایران به عنوان امری قابل تعمیم به سایر جاهای ج ۱۰ تلقی می کنند و به درستی برحق رسیدگی به وضع آنان و بررسی شرایط حقوقی زنان دربند پای می فشرند . به گوشه ای از این ابراز همبستگی ها و اعتراضات توجه کنید :

اسپانیا

در مراسمی که در روزهای ۱۶ و ۱۷ دسامبر (۲۵ و ۲۶ آذر) ، از طرف " حزب ناسیونالیست چپ " در بارسلن برگزار گردید ، سازمان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در اسپانیا نیز شرکت داشت . طی این روز افراد مترقی که در مراسم حضور یافتند ، از غرفه تشکیلات بازدید به عمل آورده و با امضای کارت های اعتراضی ، بازداشت و شکنجه زنان مبارز ایران را محکوم کرده و آزادی آنان خواستار شدند .

فرانسه

خانم آنی پروژه دبیر کل " اتحادیه زنان فرانسه " ، نگرانی عمیق خود و زنان مترقی این کشور را نسبت به سرنوشت زنان دمکرات زندانی در ایران از طریق ارسال نامه های خطاب به کلید شسون ، وزیر امور خارجه و میشل شوارب دبیر کل سازمان حقوق بشر در فرانسه ابراز و از آنان تقاضا کرده است ، به این مسأله رسیدگی فوری نمایند . آنی پروژه ، خواسته است که جهت اطلاع از وضع زندانیان و به ویژه فعالین " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " ، اقدامات لازم برای عزیمت هیأتی که وضع آنان را از نزدیک بررسی نماید ، به عمل آید .

وزیر امور خارجه ، در پاسخ نامه ای به خانم آنی پروژه ارسال داشته و متذکر شده است که در این زمینه ، اقدام خواهد کرد و دبیر کل سازمان حقوق بشر در فرانسه ، نیز اطلاع داده که نامه اعتراضی را به فدراسیون جهانی حقوق بشر تحویل و در انجام تقاضای زنان مترقی فرانسه ، کوتاهی نخواهد کرد .

● به دنبال انتشار فراخوان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " ، در رابطه با برپایی دادگاه های نظامی علیه میهن دوستان ایرانی و اعضای حزب توده " ایران و ابعادی که توطئه

مردم مترقی جهان صدور احکام علیه...

آمریکا

بقیه از صفحه ۳

پس از اعلام خیر شروع محاکمه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران، هسواد اران حزب توده ایران در آمریکا تظاهراتی در روز ۹ دسامبر، مقابل ساختمان سازمان ملل متحد برپا کردند. تظاهرکنندگان پلاکاردهایی حمل می کردند که در آن اعمال غیرقانونی و غیرانسانی حکام ارتجاعی در ایران محکوم شده و از سازمان های بین المللی خواسته شده است تا این صدای اعتراضی را به گوش جهانیان برسانند.

در این تظاهرات دوستان آمریکائی، شیلیائی و گویائی حزب و انقلاب ایران نیز شرکت داشتند.

سوسیالیستی • دبیر کل اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل • ریاست بخش صنعتی چکسلواکی • دبیر بخش صنعتی چکسلواکی • دبیر کل فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری • ابراهیم ذکریا • نماینده فدراسیون اتحادیه های کارگری کامبوچیا • نماینده فدراسیون اتحادیه های کارگری سری لانکا • دبیر کل اتحادیه های کارگری سوریه

شود را به گوش شرکت کنندگان و مهمانان کنگره رسانند.

در این کنگزه، بیانیه ای در همبستگی با حزب توده ایران صادر شد.

در این بیانیه که اعمال غیرقانونی ایذا و شکنجه وحشیانه و نقض حقوق بشر علیه زندانیان توده های و سایر نیروهای میهن دوست محکوم شده مبارزه حزب توده ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع مورد تجلیل قرار گرفته و آزادی فوری توده های در بند خواسته شده است.

متن این پیام و هیأت های امضا کننده در ذیل درج می گردد:

«بیانیه»

ما نمایندگان اتحادیه های کارگری شرکت کننده در سی و دومین کنفرانس اتحادیه های کارگری سراسری هند که از پانزده تا بیست و دسامبر ۱۹۸۳ در شهر بنگلور برگزار گردید، اعمال غیرقانونی جیس، ایذا و شکنجه وحشیانه و نقض حقوق بشر علیه زندانیان توده های و سایر نیروهای میهن پرست را محکوم می نمایم.

حزب توده ایران از بد و موجودیت خود بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری مبارزه کرده، از استقلال ملی میهن دفاع نموده و پرچمدار آزادی و حقوق اجتماعی مردم ایران بوده است.

حزب توده ایران در انقلاب ضد امپریالیستی فوریه ۱۹۷۹ مردم ایران، مجدانه شردت جسته و با همه هستی خود از دستاوردهای انقلاب دفاع نموده است.

درخواست:

- ۱- محاکمه کادرها و اعضای حزب باید علنی و قانونی و مطابق موازین بین المللی صورت گیرد.
- ۲- جمهوری اسلامی ایران باید پسه پیک هیأت ناظر بین المللی اجازه دیدار با رهبران و اعضای زندانی حزب توده ایران را بدهد تا مردم جهان در یابند که این "اقرار" چگونه گرفته شده اند.
- ۳- سرکوب وحشیانه و بیرهمنشان حزب توده ایران و سایر نیروهای میهن دوست باید قسوی متوقف شود.

امضاء کنندگان

- نماینده مرکز اتحادیه های کارگری کوسا
- نماینده فدراسیون اتحادیه های کارگری ویتنام
- نماینده شورای مرکزی اتحادیه کارگری افغانستان
- نماینده اتحادیه ملی کارگران صنایع نوبشابه سازی مالزی
- نماینده اتحادیه کارگری و خدمات مربوطه فیلیپین
- نماینده اتحادیه کارگری بنگلادش
- نماینده هیئت رئیسه شسوزای مرکزی اتحادیه های کارگری مغولستان
- نماینده اتحادیه های کارگری فرانسه
- نماینده کشورهای مرکزی اتحادیه های کارگری اتحاد جماهیر شوروی



تظاهرات اعتراضی در مقابل سازمان ملل متحد

ماوقانون کار

مقدمه

مقدمه در حقیقت توضیح سمت گیری اساسی قانون کار و توجیه اهداف آن است. در این قسمت:

— باید تصریح گردد که سمت گیری اساسی قانون کار عبارت است از دفاع از حقوق کارگران در مقابل استثمار سرمایه داران و ظلم و تعدی کارفرمایان.

— باید تصریح گردد که مقام واقعی طبقه کارگر در جامعه به رسمیت شناخته می شود. طبقه کارگر ایرانی از مهم ترین نیروهای محرکه انقلاب بهمن بود و توانست با اعتصابات گسترده و سراسری خود ضربه کاری بر رژیم ستم شاهی وارد آورد. طبقه کارگر ایران سهم بزرگی در پیروزی انقلاب بهمن دارد. این سهم باید در قانون کار مورد احترام قرار گیرد و تثبیت شود.

— باید تصریح شود که این قانون کار با استناد به اصول مترقی قانون اساسی، مانند اصول ۲۶، ۲۹، ۴۱، ۴۲ و ۴۳ تدوین شده و قانونیت بیابد.

اصول کلی

— حق تشکل صنفی مستقل کارگران اعم از شوراهای کارگری، سندیناها یا انجمن ها و کانونها، بدون دخالت مقامات دولتی یا نیمه دولتی، با اتکا به اصل ۲۶ قانون اساسی.

بقیه در صفحه ۱۵

تدوین يك قانون کار مترقی و انقلابی یکی از مهم ترین خواست های کارگران پس از انقلاب بوده است. حاکمیت ج ۱۰ نه تنها هیچگاه در این جهت قدم شایسته برنداشت، بلکه طرفداران سرمایه داری افسار گسیخته نیز اجازه داد تا در سال قبل ارتجاعی ترین طرح را برای قانون کار عرضه کنند. این اقدام ارتجاعی با مقاومت سرسختانه طبقه کارگر، تحت رهبری علی حزب توده ایران با شکست مواجه شد. پس از آن پسه رغم اصرار کارگران بر تدوین "قانون کار جدید" با مشارکت نمایندگان واقعی آنها، این مسئله مسکوت گذارده شد.

اکنون، مجدداً زمره هایی به گوش می رسد مبنی بر اینکه طرح جدید قانون کار در دست تهیه و ارائه به هیئت دولت است. این بار نیز به خواست کارگران توجه شده است و نمایندگان واقعی آنها در تدوین این طرح سهیم نبوده اند. حتی در مورد انتشار آتی این طرح در جراید رسمی کشور نیز، مسئولین وزارت کار شکارند. ما لازم می بینیم برای آشنایی هر چه بیشتر کارگران با نظرات حزب توده ایران، مشخصات قانون کار مترقی و انقلابی را در اینجا به اختصار یاد آور شویم.

ما معتقدیم که قانون کار باید از سه بخش، مقدمه، اصول کلی و اصول اختصاصی تشکیل شود.

در هفته‌ای که گذشت:

مردم بی دفاع قربانی سیاستهای جنگ طلبانه ج.ا. و دولت عراق

دور جدیدی از سایه سران و رهبران ایران و عراق بر سر کشتار مردم زحمتکش دو کشور آغاز شده است. به دنبال تهدیدات حکام ج.ا. مبنی بر "یکسره کردن کار جنگ"، دولت عراق در روزهای اخیر اعلام کرده که به تلافی ایمن تصیحات شهرهای کرمانشاه، دزفول، اندیمشک، شوش، هواز، آبادان و ایلام را هدف حملات موشکی و هوایی قرار می‌دهد و به اهالی این شهرها توصیه کرد، هر چه زود تر خانه‌های خود را ترک گویند.

میرحسین موسوی، نخست وزیر ج.ا. متقابلاً با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده که:

"در صورت اجرای تهدیدات جدید صدام همه تأسیسات صنعتی عراق، هدف مستمر رزمندگان خواهد بود."

به دنبال این اظهارات، دولت عراق نیز در بیانیه جنون آمیزی پاسخ می‌دهد که علاوه بر ۷ شهر مذکور ۴ شهر دیگر را نیز هدف حملات موشکی خود قرار خواهد داد.

طولی نکشید که خامنه‌ای، رئیس جمهور ایران، از این سخنان دولت عراق به خشم آمده و بیان مردم را وثیقه اهداف توسعه طلبانه خود قرار داده می‌گوید:

"ما از این به بعد مقابل به مثل خواهیم کرد و اگر آنها شهرهای ما را هدف قرار دهند، ما نیز سه شهر مندلی، خانقین و بصره را نابود خواهیم کرد."

فردای آن روز آقای هاشمی رفسنجانی تأکید کرد:

"اخطاری که دیشب از سوی ریاست جمهوری اعلام شد، آغاز کار است. مسئله به سه شهر عراق، خاتمه پیدا نمی‌کند و اگر صدایمان دست به ماجراجویی بزنند، خواهند دید که در هیچ جای عراق جای امنی وجود ندارد جز کربلا، نجف، کاظمین و خانقاه که برای ما تقدس منضاع دارند."

رهبران ج.ا. برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه خود مردم را به وسیله واهم اجرای این سیاست شوم بدل کرده‌اند و بر آنان حکم می‌راند که "ملت ایران باید آماده باشند و حرف آخر خود را بزنند" (خامنه‌ای - نماز جمعه - ۱۴ بهمن ۶۲).

مردم رنج دیده میهن ما و به خصوص ساکنین

مناطق جنگی که در زیر فشار و اثرات ویرانگر و طاقت فرسای این جنگ بی سرانجام به جسدان آمده‌اند، دیر یا زود قطعی ترین نقش رادر جلو گیری از این سیاست شوونیستی و عظمت طلبانه حاکمیت ایفا خواهند کرد. آنها از این سیاست که چیزی جز کشته و زخمی شدن هزاران نفر، فربه شدن کلان سرمایه داران، فزاینده اقتصاد و مسخ انقلاب به ارمغان نیاورده است، ناراضیند و بنا راهپیمایی‌ها و اعتراضات گوناگون مخالفت‌های خود را ابراز می‌دارند. بیپهنده نیست که نخست وزیر ج.ا. طویحا به این امر اشاره کرده و می‌گوید:

"امروز لازم است آهنگ رفتن نیروهای مردمی به جبهه‌ها بیشتر شود!"

و آیت الله منتظری نیز بر این مسئله تأکید می‌کند که:

"این روزها کرارا از جبهه‌ها خبر می‌آید که نیاز به برادران روحانی زیاد است."

از سوی دیگر و به موازات اعتراضات گسترده مردم که حتی در سخنان رهبران ج.ا. نیز شهید است، نیروهای ترقی خواه و دمکراتیک جهان نیز پر پایان جنگ اصرار می‌ورزند.

خانم گاندی که ریاست جنبش عدم تعهد را بر عهده دارد، در هفته گذشته، در دیدار با دبیر کل جامعه عرب، بار دیگر خواستار قطع جنگ و حل اختلافات از طریق مذاکره شد. اما علی رغم اعتراضات مردم ایران و جهان رهبران ج.ا. همچنان با نادیده گرفتن این خواست مبرم، به قدرت نمایی و تهدیدات جنون آمیز خود ادامه می‌دهند و از کشتار مردم بیگناه و ویرانی هر چه بیشتر کشور پائین ندارند.

ج.ا. باز هم به آمریکا باج می‌دهد

روند نزدیکی هرچه بیشتر سردمداران ج.ا. به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، هر روز با بند های تازه‌تری، استحکام می‌گیرد.

در پی پرداخت های ۲۶ میلیون دلاری ایران به امپریالیستهای آمریکائی به بهانه "خسارت ناشی از اشغال سفارت آمریکا" و واریز کردن ۴۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به حساب بانک صادرات و واردات آمریکا - و باندهای دیگر - تحت عنوان "بدهی" و صدور رأی محکومیت ایران از جانب دادگاه بین‌المللی لاهه مبنی بر پرداخت ۸۲ میلیون و پانصد هزار دلار بجه انحصارات آمریکائی، و پولرد دیگر که میزان غرامت پرداختی ج.ا. به انحصارات آمریکائی را بنه رقمی بیش از ۸۹ میلیون دلار رساننده است.

روزنامه "فرانکفورت روند شاو" در شماره ۷ ژانویه ۱۹۸۴ خود می‌نویسد:

"حکومت ایران بر اثر ملی کردن سرمایه‌های خارجی، ۳۴ میلیون دلار به انحصار آمریکائی "دوپون" - که بزرگترین سازنده مواد شیمیائی جهان است - خسارت وارد آورده است. این مبلغ در دادگاه لاهه تعیین شده است. گفته می‌شود که قریب ۳۵۰۰ شرکت خارجی دیگر که وضع مشابهی دارند، در انتظار رسیدگی به شکایاتشان در دادگاه لاهه به سر می‌برند. بدیهی است سردمداران ج.ا. که به هر "شرطی" تن در می‌دهند تا امپریالیستهای جهانی را متقاعد کنند با آنان سر "آشتی" دارند و اکنون با خضوع و خشوع در مقابلشان زانو زده‌اند، از پرداخت این "مالخ جزئی" پرهیز نخواهند داشت. تکلیف از اوامر و شروط امپریالیسم، سیاست روز حاکمان ج.ا. است و چنین تکلیفی، تسلیم مطلق بر آورندگان خواستهای امپریالیسم را در حاکمیت ج.ا. طلب می‌کند؛ این جبر وابستگی و منطق و نیروی "چمساکی" آمریکاست."

دیگر دیر شده است

در آخرین روزهای اسفند سال گذشته، آیت الله موسوی اردبیلی طی صاحب‌نامی پرسرو صدا که مطبوعات با عنوان درشت "فردا دیر است" به چاپ رساندند، راه حلی برای مشکل مالک و مستأجر ارائه داد. وی گفت:

"تا زمانی که مشکل مسکن حل نشده و چنین بحرانی وجود دارد، پیشنهاد می‌کنیم مجلس شورای اسلامی تصویب کند که هیچ کس حق ندارد، بیش از یک مسکن معمولی در سطح شهرها داشته باشد و با این تعویب، می‌توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مورد تاخت و تاز سوداگران نباشد. اگر کسی در این صورت تردید دارد، لحظه‌ای در محاکمی که حکم تخلیه می‌دهند حاضر شود و صفوف طولانی مستأجرین را که با چشم گریان پیش قاضی التماس می‌کنند، ببینند سپس داوری کند" (۱۷ اسفند ۶۲).

از آن روز تا کنون، هر چند که زحمتکشان و بی‌سرمه‌هان در امر ضروری بودن حل مشکل مسکن مطلقاً "تردید نمی‌کنند" به خود راه نداده‌اند و هر روز در "صفوف طولانی"، به پیشگاه قاضی شرع می‌روند تا چند روزی اجرای "حکم تخلیه" را که بر اساس "قانون مالک و مستأجر" صادر شده، به عقب بیندازند، وضع بحرانی ترو ترو - با سامان تر شده است. به ویژه مسئله تقسیم اراضی زمین شهری که به واسطه باند بازی‌های وابستگان "تعاونی سحر" متوقف شد، بر شدت و خامت اوضاع مسکن افزوده است.

واقعیت آنست که در کنار کلان زمین خواری باندهای با نفوذ در شهرداری تهران، قطعات بقیه در صفحه ۱۵

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۴

محدودی نیز در اختیار " واحدین شرایط " یعنی کسانی که به حق، مستحق دریافت زمین بوده‌اند، قرار گرفت و اکنون با معلق ماندن وضعیت اراضی شهری، بیشترین لطافات را می‌بینند.

آقای اکرمی، نماینده کمیوتر آهنگ، در نطق پیش از دستور مجلس در این رابطه می‌گوید:

" به شورای عالی قضائی عرض می‌کنیم که متأسفانه آن روز که باجد و جبهه می‌شد جلوی تجاوز به اراضی زمین شهری در تهران گرفته شود، کوتاهی شد و اکنون متجاوزان ۲۰/۰۰۰ پرونده روی دست شورای عالی قضائی باقی مانده است. عده‌ای از کسانی که زمین گرفته‌اند برای ساختن یک سرپناه، آنچه را که داشته‌اند، فروخته‌اند و به مقاطعه کاران (!!!) داده‌اند. اگر قرار شود دو سه سال طول بکشد تا تحقیق کنند و اجازه ساختن بدهند، مستضعفین زمین گرفته باید قسط بدهی های خود را بپردازند و آخرسر مقداری آهن زنگ زده و آجر و سیمان و آهک از بین رفته تحویل بگیرند. شما را به خدا فکری بکنید، برنا ههای ضربتی و قاطعی برای حل مشکل اینان تهیه کنید " (اطلاعات ۳ بهمن)

در واقع به آقای اکرمی باید گفت: دیگر دیر شده است! این مطلب را آن " مستضعفینی " که همه آنچه داشته‌اند، فروخته‌اند، تا صاحب " آلونکی " باشند هم می‌دانند!

بزرگ " مالکان محترم " در کنار بازاریان محترم

این روزها دستور جلسه " مجلس شورای اسلامی، بررسی قانون انتخابات مجلس است " در بند ۳ صوبه مجلس، در مورد کسانی که واجد شرایط انتخاب شدن نیستند آمده است:

" ملاکین بزرگ که زمین‌های موات را به نام خود ثبت کرده‌اند "

مفهوم تبعی این بند آنست که نماینده زمین داران بزرگ داری اراضی دایر و مکاتیر می‌توانند همانند زمان ستم شاهی به مجلس راه یابند.

تردیدی نیست که واعظین این قانون دقیقاً می‌دانند که هیچ یک از کلان زمین داران غاصب مالتیایی به ثبت زمین های موات به نام خود نداشته‌اند و ندارند. نیازی هم به این کار نیست زیرا آنها بهترین زمین‌های آبی و مکاتیر را در اختیار دارند و از این رو بیشترین سطح کشت را به خود اختصاص داده‌اند.

تصویب این بند، پس از دعوت بازاریان به مجلس، تنها در راستای پرکردن جای خالی بزرگ زمین داران در مجلس، در کنار خاموشی‌ها و پورا ستادها و " بازاریان " محترم است و پس!

ناگفته پیداست، اعضای باز هم " محترم " شورای نگهبان، با طیب خاطر این بند بسیار پسر معنا را از " توشیح " خود می‌گذرانند!

ماوقانون کار

بقیه از صفحه ۱۳

- حق انعقاد قرارداد دستجمعی.
- برابری همه کارگران، از زن و مرد، پسر و جوان، از هر نژاد و قوم و ملیت و مذهب.
- حق اشتغال برای همه افراد قادر به کار.
- حق برخورداری از تأمین اجتماعی.
- حق استراحت.
- حق مشارکت در برنا ه ریزی اقتصاد کشور و اداره واحدهای تولیدی بر پایه اصل ۱۰۴ قانون اساسی.
- ضرورت برنا ه ریزی نیروی کار اجتناعی.
- باید تصریح گردد که این امر در برنا ه ریزی اقتصادی کشور در نظر گرفته شود.

اصول اختصاصی

اصول اختصاصی باید در برگیرنده مباحث زیر باشد:

ساعات کار، مرخصی ها، دستمزد، حقوق زنان، حقوق کودکان، تأمین اجتماعی، بیمه بازنشستگی، حفاظت و ایمنی کار، حل اختلافات، شناسنامه کار، آموزش حرفه‌ای و طبقه بندی مشاغل و غیره.

این اصول اختصاصی باید در چارچوب اهداف و سمت گیری های تعیین شده در مقدمه و بر پایه اصول کلی مشخص شوند. بنابراین واضح است که چنانچه مقدمه و اصول کلی نتواند پایه لازم و متناسبی را ایجاد کند، اصول اختصاصی نیز نخواهد توانست محتوای صحیح و ضمانت کافی داشته باشد.

ناگفته پیداست که چنین قانون کار مرفقی و انقلابی ای، نه می‌تواند بر مبنای قانون کسار شاهنشاهی تدوین شود و نه بر مبنای پیش نویس توکلی و شرکا.

ماد رأینده در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد.

پارتیزان‌های توده‌ای

بقیه از صفحه ۷

از پای درآمد ۰ اوکه کارگری کارگزاده بود پیش از آنکه مدرسه را تمام کند، دانشگاه جامعه را بسا فراست و قریحه سرشاری تجربه کرد. فقر و محرومیت علی را محکوم کرد تا سه فصل از سال را درس بخواند و تابستانها کار کند. خیاطی کرد، آهنگری کرد، حفاری کرد و هر کارشاق دیگری را بر گردن گرفت و بدین سان این آمیزه کار و دانش، حقیقت زندگی و تلخی محرومیت طبقاتی را با گوشت و پوست و استخوان خود احساس کرد.

- با این تجدید عهد که راه مقدس آنها را در کار و پیکار، در عشق به مردم و کینه از خصم در سوختن و خاکستر شدن در شماره هسای ایمان و آرمان، لحظه‌ای از یاد نبریم.

" مردگانی هستند که به نامی از این جهان نمی‌روند "

از آنان بیا موزیم. مرگ سرخ آنان چگون زندگی سرسبزشان، حاصلخیز بود. در سنگ و یاد آنها اندوه را به نیرو بدل کنیم

اکنون که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان موفق شده‌اند سیاستهای خود را در تمام زمینه‌ها، به سیاست حاکمیت بدل کنند، اکنون که آنها توانسته‌اند با موافقت و به دست طرفداران قدیم " راه سوم " به سازمان‌های سیاسی و صنفی کارگری را در سراسر کشور یورش آورند، و حزب توده ایران را از جمله به جرم آینده نگری و پیش بینی نتایج شوم " راه حل‌های سرمایه‌داری " به محاکمه بکشند، دیدن آگهی‌های استخدام " مجتمع فولاد اهواز " که بیانگر راه اندازی دوباره این واحد بزرگ صنعتی با حفظ و تداوم وابستگی آن به انصارات امپریالیستی است، هیچ عجب نیست!

" مجتمع فولاد اهواز " استخدام می‌کند

در هفته‌های اخیر آگهی‌های مکرر و طویل استخدام در مجتمع فولاد اهواز در روزنامه‌های مجاز ایران به چشم می‌خورد.

این آگهی‌ها نیز یکی از نشانه‌های شکست خیال باقی‌های طرفداران " راه سوم " و پیروزی پیش از پیش هواداران احیای نظام سرمایه داری وابسته است.

در سال‌های اول پس از انقلاب که پیمانکاران شرایط را برای کسب سودهای گزاف در بسیاری نقاط از جمله مجتمع فولاد اهواز، ممکن می‌دیدند، خود شعار تعطیل کار را مطرح کردند.

لیبرالها، به ویژه به خاطر مخالفت با تشکیل های کارگری که در مجتمع فولاد اهواز رشید چشمگیری داشتند، با پیمانکاران هم صدا شدند. در آن زمان شکل‌های کارگری در مجتمع فولاد اهواز قید داشتند در راه کاهش و قطع وابستگی این واحد عظیم صنعتی به انصارات امپریالیستی، دست به اقدامات عملی بزنند. شور انقلابی کارگران و بسیاری از متخصصان متعهد، و جو انقلابی حاکم بر کشور و شرایط مساعد بین المللی این امر را امکان پذیر می‌ساخت. مدافعان احیای سرمایه داری وابسته به این دلیل نیز قادر به تحلی شکل‌های کارگری نبودند.

در این میان طرفداران " راه سوم " در حاکمیت که در جستجوی راه‌های " بدیع و نو ظهور " بودند، شعار " تعاقب کردن صنایع بزرگ " را مطرح ساختند.

حزب توده ایران، در همان زمان هشدار داد که تعاقب کردن صنایع، در عمل به خراب کاری در روند بازسازی صنایع ملی، نابودی ثروت های مملکت، نارضی کردن کارگران و در نتیجه تضعیف انقلاب و سرانجام به پیروزی مدافعان راه سرمایه داری وابسته خواهد انجامید.

گذشت زمان درستی نظرات حزب توده ایران را نشان داد.

مدافعان احیای سرمایه داری وابسته در سال ۶۰ - ۱۳۵۹ نزدیک به ۸۰۰۰ کارگر و متخصص را با استفاده از ماده ۲۳ قانون کار اخراج کردند و کارخانه را به تعطیل کشاندند.

تحولات طبقاتی در جامعه...

بقیه از صفحه ۱۱

دوم شکل صنفی کارگری تحت عنوان "شوراهای اسلامی کارگری" که شکل عدد ۲ شکل کارگران ایران است. این جنبش نیز علی‌رغم گسترش خودش در سال‌های اخیر گیزی مبارزات کارگران در میان کارگران کارخانه‌ها، هنوز از سازماندهی سلسله‌ای طبقه کارگر پرجمعیت ایران دور بود. حاکمیت و رهبری غیرکارگری شوراهای قضای حیاتی محدود و میدان مبارزه بسیار تنگی را به این جنبش تحمیل کرده‌اند و هم‌چنان تلاش می‌کنند که مضمون طبقاتی مبارزه آنان را دم به دم فقیرتر کنند، از دستاورد های مبارزات آنان به سود خودش بهره برداری کنند، و سرانجام ایسـن شکل‌ها را به نهاد های نیمه دولتی و سیندیکاهای "زرد" تبدیل کنند.

پایه ایدئولوژیک تلاش‌های رهبری غیرولتاری انقلاب بهمن، برای خلع سلاح طبقه کارگر ایران، و محکم کردن زنجیرهای استثمار غارتگرانه سرمایه‌داری بردست و پای آنان انکار "تضاد طبقاتی" و ضرورت شکل صنفی و سیاسی مستقل طبقه کارگر، در جامعه شعراهای عوام فریبانه مبنی بر وحدت مذهبی است اسلامی "بوده

تکلی، نمایندند و قرون وسطایی سرمایه‌داران ایران می‌گفت:

"اسلام تضاد طبقاتی را قبول نداشته، بلکه تعاون طبقاتی را قبول دارد" (ج ۱۰، ۲۱ بهمن ۶۰).

و خائنهای پرچمدار تسلیم زحمتکشان در برابر سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و امپریالیسم جهانی تکرار می‌کرد:

"ما با سازمانهایی که مبارزه طبقاتی را دامن می‌زنند مخالف هستیم. ما نمی‌خواهیم کینه طبقاتی تقویت شود، بلکه برعکس می‌خواهیم که طبقات با هم مدارا کنند" (نطق در کنگره شوراهای اسلامی - جراید).

هراس و وحشت نیروهای ارتجاعی از شکل مستقل صنفی و سیاسی کارگران تنها بد آنجا بود که دفتر سیاسی حزب ج ۱۰ در کشاکش مبارزه طبقاتی گسترده‌ای که برای پیشرفت انقلاب و ارتقای انقلاب سیاسی تا حد انقلاب اجتماعی در جریان بود اعلام کرد:

"گرایشات طبقاتی و صنفی و ایجاد محورهای بر اساس لایه بندی‌های اجتماعی و اقتصادی از آفت‌هایی است که ممکن بود انقلاب اسلامی ما به آن مبتلا شود. این که جمعی به دفاع از خواسته‌ها و هلاقی صنفی، گرد یکدیگر جمع شوند و در راه تحمیل خود و نظریات خود بر دیگران، حتی بدون در نظر گرفتن مصالح مجموع حرکت انقلاب اسلامی کام بردارند و بدین گونه مخاصمه و نیردی غیرواقعی در درون صفوف مردم به وجود آید و حاصلش تضعیف پایه‌های انقلاب، هرزیدن نیروها، ایجاد فرصت‌هایی مناسب برای اشخاص و گروه‌ها باشد، خواست این نیروها بوده و هست" (روزنامه ج ۱۰، ۲۵ مرداد ۶۱).

با چنین استدلالی دفتر سیاسی ج ۱۰ هر گونه شکل صنفی و سیاسی مستقل را تکفیر و آن را "کفر آمیز" و "شرک الود" قلمداد می‌کرد. با همه این فشارها و تلاش‌های ارتجاعی، مبارزات طبقه کارگر ایران، هم‌پا بسا گسترش و ژرفای انقلاب تکامل یافت. یکی از برجسته‌ترین و پرخروش‌ترین مسوول مبارزات طبقاتی در جامعه ایران در سال گذشته، مبارزه گسترده کارگران ایران بسا توکلی، وزیر کار مرتجع و قانون کار پیشنهادی او بود. در این مبارزه سندیکاهای و شوراهای کارگری نقش مهمی ایفا کردند، ولی دامنه مبارزه کارگران از حدود شکل های سندیکایی و شورایی موجود بسیار فراتر رفت. حزب توده، ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این مبارزه آشکارا نقش بهیژی سیاسی را به عهده داشتند.

شکل اصلی مبارزه کارگران، تمهید طومار و جمع آوری امضا در مخالفت با پیش نویس قانون کار، ارتجاعی بود. شمار امضاهای جمع آوری شده به سرعت از مرز میلیون گذشت. کارگران درخواست می‌کردند در قانون کار از نظریات گرایش مرفقی در حاکمیت و به ویژه اصول مردمی قانون اساسی استفاده شود و نمایندگان کارگران در تدوین قانون کار مشارکت داشته باشند. افزون بر این، آنان می‌خواستند که مشارکت آنان در اداره واحدهای صنعتی و خدماتی از طریق شوراهای کسار به رسمیت شناخته شود و این دستاورد ارجمند انقلاب تثبیت و تحکیم شود.

تنها عرصه‌ای از مبارزه بفرنج طبقاتی که جناح ارتجاعی حاکمیت در آن ناگزیر از عقب نشینی جدی شده، همین جنبه تلاش برای به بند کشیدن دو پاره طبقه کارگر بی‌پایاخته ایران بود. تحت فشار سازمان یافته کارگران، وزیر کار مرتجع ناگزیر از استعفا شد و قانون کارش از سوی دولت پس گرفته شد.

یکی از اهداف یورش به حزب توده، ایران، محروم کردن کارگران ایران از نقش رهبری کننده پیشاهنگ خویش و در هم شکستن دورنمای امید بخش انقلابی مبارزات

کارگران بود. اپرا جنبش کارگری ایران علی‌رغم این ضربات، همچنان نیرومند است طبقه کارگر ایران در صاف با جریان پرگشیت انقلاب هنوز سخن آش را نگفته، در بررسی سهم و نقش مبارزات طبقه کارگر ایران، در انقلاب بهمن، باید به ویژه‌ای به بررسی کارنامه فعالیت حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران و نه سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تأثیر عمومی آنها تحقیق گرایش خلقی و ضد امپریالیستی گردان های مختلف جنبش انقلابی اخته یابد. این خدمات در جای خود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیشروی ارتجاع و مقاومت کارگران

به دنبال شکست یورش پیشین ارتجاع و دستاورد های طبقه کارگر در انقلاب به سرمایه‌داران و نمایندگان سیاسی آنان، اینک از اشکال و شیوه‌های جدیدی می‌مقابله با کارگران استفاده می‌کنند.

حاکمیت از یک سوتلاش می‌کند با درهم کوبیدن پیشاهنگ انقلابی طبقه کار ایران، راه و آرمانهای پیشروترین کارگران ایران را بی‌اعتبار جلوه دهد، و از س دیگر با نقض و مخدوش کردن حق مشارکت کارگران در اداره واحدهای تولید خدمات، از به رسمیت شناختن این دستاورد های انقلابی خود داری می‌کند، و بس تحت فشار گذاردن شوراهای کارگری مقاوم و مبارز به مسخ یا انحلال این شوره به وسیله سرمایه‌داران یاری می‌رساند.

سال گذشته از ۳۰۰ شورای کارگری فعال در سراسر کشور، تنها ۸۰ شوی باقی مانده بود، از این تعداد نیز بسیاری در نتیجه مشکلات روز افزونی که سرمایه داران و دولت در راه فعالیت آنان فراهم می‌کنند، دچار انفعال شده بودند (اطلاعات ۱۴ مهر ۶۲).

اخراج و تصفیه گروهی کارگران مبارز از کارخانه‌ها که ایجاد عظیم داشته‌اند یکی دیگر از شیوه‌های سرکوب‌خیزنده جنبش کارگری ایران است. از سوی دیگر، با تحمیل بحران اجتماعی - اقتصادی و توهم سرسام آوری که به آن به طور صدها بردوش کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران سنگینی می‌کند، آگاهی کارگران نسبت به مقاصد طبقاتی حاکمیت به تجربه عینی افزایش می‌یابد کارگران بیش از پیش از جناح‌های مختلف حاکمیت روی گردان می‌شوند و به مبارز اعتراضی و مطالباتی روی می‌آورند.

افزایش دستخوده احیاء انقلابی شکل‌های سندیکایی و شورایی برای مقابله به پیشروی ارتجاع و دفاع از دستاورد های انقلاب، خواست های اساسی کارگران است.

ناآرامی های اخیر و اضطابات و تحسن های پرکارخانه‌های دخانیات و چیت تهران، شیشه سازی قزوین و سیمان تبریز، نخستین نمودارهای برآمد های نوین در جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران است.

قانونمندی عام و ویژگی های مبارزه طبقاتی در انقلاب بهمن

قانونمندی های عام مبارزه طبقاتی در انقلاب بهمن

تجربه انقلاب های رهایی بخش ملی در دراز، ما نشان می‌دهد که این انقلاب‌ها در جریان

تعمیق و فرا رویی از انقلاب سیاسی ملی به انقلاب اجتماعی، مصلحت طبقاتی یا رتزی پیدا می‌کنند. در این مرحله آگاهی طبقاتی گوناگون نسبت به منافعه ویژه خویش، و نسبت به رفتار سیاسی نیروهای وابسته به طبقات دیگر و سازمان یافتگی بسیج مبارزاتی نیروهای طبقاتی مختلف افزایش می‌یابد، تضاد میان آنان تشدید می‌شود. سرشت مرحله دوم انقلاب که در جریان آن نیروهای اجتماعی گوناگونی رود روی مسأله سمت گیری اجتماعی کشور قرار می‌گیرند، برانگیخته آگاهی و پرور منافع طبقاتی، و در نتیجه تمایزات اجتماعی است. (انقلاب های رهایی بخش ملی - پروتسی - ج ۲ - ص ۴۳).

در چنین شرایطی، همه ویژه در جنبش‌هایی که در آنها به دلایل گوناگون نمایندگان سیاسی اقتدار بینابینی، نقش تعیین کننده‌ای در سر نوشت نبرد "که بر سر انتخاب سمت گیری اجتماعی - اقتصادی کشور دارند، اگر اتحاد نیروهای انقلابی پیگیر، از توانمندی کافی برای جذب اقتدار بینابینی به راه غیرسرمایه - داری کافی باشد، انقلاب ملی و دکراتیک به پیروزی خواهد رسید، و گرنه یا سلطه

بقیه در صفحه ۱۸

سیاست شاهنشاهی نجات موسسات ورشکسته امپریالیستی همچنان ادامه دارد

رسید که ۹۰ هزار دستگاه، آن به مقصد ایران حمل شدند و تنها ۳۰ هزار دستگاه برای مصرف داخلی اختصاص یافت. طبق گزارش این شرکت انحصار تالیوت در نیمه اول سال ۱۹۸۳ ۱۵ میلیون لیتر سود برده است. در حالیکه سال گذشته در همین ماه ۴۰۶ میلیون لیتر ضرر داشته است. شواهد بر این دلالت دارند که شرکت تالیوت در پایان سال جاری، در مقایسه با ضرر ۵۴۸ میلیون لیترهای سال ۸۲، سود خالص خواهد داشت.

روزنامه فاینانشال تایمز، ناچی این شرکت ورشکسته انگلیسی را چنین معرفی می کند: "عامل عمده در تغییر وضع مالی شرکت تالیوت بهبود بازار ایران بوده است" و برای اینکه خیال حکام چ ۱۰ را از هیاهوی واهی "تولید داخلی" و "خود کفایی" و غیره نیز راحت کنند با اصطلاح تولیدات ایران ناسیونال (ایران خود رو) را بدون چون و چرا تولیدات شرکت تالیوت در انگلستان به حساب می آورد چرا که معتقد است ۸۵٪ از تولیدات شرکت تالیوت در ایران را این شرکت می سازد (فاینانشال تایمز ۲۹ دسامبر ۱۹۸۳)

رژیم های ضد مردمی همواره مایه امید انحصار های غارتگر امپریالیستی اند که در بحران قزاقی سیستم رویه زوال سرمایه داری به نابودی محکوم می شوند. بعد از تجربه موفق ایران، اینک نوبت فیما الحقیق است که به نجات شرکت ورشکسته دیگری در انگلستان بشتابد. به موجب خبر روزنامه انگلیسی گاردین ۲۹ دسامبر ۱۹۸۳ اخیراً قرار دادی مابین گروه آستین رور از شرکت بریتانیایی لیلاند و بخش خصوصی پاکستان منعقد شده است.

روزنامه "مورنینگ استار" از قول رئیس شرکت مزبور می نویسد: "از اینکه دولت پاکستان به این امر مهر تأیید زده است بسیار خوشحالم. اشتیاق منتظر همکاری آستین رور در پیشرفت صنایع اتومبیل سازی پاکستان هستم. چه شیوای جهت توسعه صنایع اتومبیل سازی پاکستان در نظر گرفته شده است؟ بدیهی است به شیوه تالیوت در ایران!

"مورنینگ استار" می نویسد: "در مراحل اولیه ماشینهای ساخته شده به پاکستان صادر می شوند، پس از طی این مراحل مونتاژ آنها در کارخانه ای که قرار است در لاهور پاکستان بنیاد گردد جایگزین آن می شود."

در ضمن شور و شغف شرکت تالیوت از بهبود بازار ایران تنها در سال ۱۹۸۴ خلاصه نمی شود. فاینانشال تایمز می نویسد: "آقای جرج ترنبول، رئیس شرکت تالیوت (انگلستان) معتقد است که دورنمای روشنی در امر داد و ستد با ایران در پنج سال آینده، بیند." سردمداران چ ۱۰ که هر دم از پیشرفت در امر

داشته است (فاینانشال تایمز ۸ سپتامبر ۱۹۸۳) روزنامه فاینانشال تایمز، ارکان انحصارات مالی انگلستان در شماره ۲۹ دسامبر ۱۹۸۳ طی یک خبر اقتصادی زیر عنوان "صادرات ماشینهای مونتاژ شده از طرف شرکت تالیوت به ایران برای سال ۱۹۸۴ تا مین شده است." قرار داد جدید این شرکت با ایران را "بزرگترین قرار داد صادرات اتومبیل بریتانیا" نامیده است. به موجب این قرار داد تالیوت در سال ۱۹۸۴، یکصد و بیست هزار ماشین مونتاژ نشده به ارزش ۱۵۰ میلیون لیتر استرلینگ به ایران صادر خواهد کرد. روند تشدید این بخش از وابستگی اقتصادی مشخص از سال ۱۹۸۲ شتاب می گیرد. طبق نوشته این روزنامه، در سال ۱۹۸۲ تنها ۳۷ هزار ماشین جهت مونتاژ برای ایران حمل شده که به نوبه خود، نسبت به سال ماقبل که مشکلات مالی از جانب ایران باعث رکود صادرات شده بود تاثیر جدی در تولید شرکت تالیوت در انگلستان داشت. اما در سال ۱۹۸۳ به یکباره رقاصه در ۱۰۰ هزار افزایش یافت. به نوشته روزنامه

فاینانشال تایمز تولیدات شرکت تالیوت که در سال ۱۹۸۲ از ۱۷۵۰۰ دستگاه به ۵۶۲۰۰ دستگاه کاهش یافته بود "در سال ۱۹۸۳ میزان تولیداتش در انگلستان به ۱۲۰۰۰۰ دستگاه

حکام چ ۱۰ با در پیش گرفتن راه سرمایه داری و میدان دادن به سرمایه داران بزرگ و کلان زمینداران، راه انقلابی را که می رفت از انقلاب سیاسی، به انقلاب اجتماعی فرا رود، سد کردند تا مبین ما را به مرصه تاخت و تاز و غارت افسار گسیخته امپریالیستها بدل سازند.

یکی از انحصارات امپریالیستی که در سایه سیاستهای رژیم کنونی روز به روز سهم بیشتری از غارت و استعمار کارگران و زحمتکشان ایران کسب می کند، شرکت ماشین سازی تالیوت انگلستان است که اگر سیاستهای خائنه رژیم شاه نبود مدتها پیش از انقلاب به علل مشکلات مالی ورشکسته شده و از صفحه حیات اقتصادی محو شده بود.

ولی نجات شرکت های امپریالیستی وظیفه ای بود که به عهده محمد رضا پهلوی محول شد و او نیز از پول غارت نفت آن را به نحو احسن انجم داد.

اینکه این وظیفه به عهده حاکمان چ ۱۰ گذاشته شده و شواهد و قرائن نشان می دهند که این کار حتی بهتر از زمان شاه نیز صورت می گیرد. طبق اخبار منتشره شرکت تالیوت از بیش از ۵ سال قبل از انقلاب همواره متحمل ضرر می شده است و تنها طی سال گذشته، صرفاً به خاطر افزایش ضرر و ماشین های مونتاژ نشده و قطعات یدکی به ایران، بعد از ده سال بالاخره منفعت



تحولات طبقاتی در جامعه...

بقیه از صفحه ۱۶

گرایش نیروهای بورژوا - ماک و انتخاب راه سرمایه داری ، چنین انقلابی مستط . و جاده برای پیروزی قطعی امپریالیسم و ارتجاع صاف می شود .

این قانونمندی عام انقلاب های ملی و دمکراتیک دوران ما ، در انقلاب بهمن نیز ، علی رغم بخرنجی و چندجانبگی مسایل گوناگون مبارزه طبقاتی ، به صراحت جاری بود . این واقعیت هنگامی آشکارتر می شود که به ویژگی های انقلاب بهمن ، که قانونمندی های عام از خلال آنها رخ می نمود ، توجه دقیق تر داشته باشیم .

ویژگی های مبارزه طبقاتی در انقلاب بهمن

انقلاب ملی و دمکراتیک بهمن ، از د و ویژگی اساسی کم و بیش به هم پیوسته برخوردار بود . این ویژگی ها سرچشمه اصلی بخرنجی ، به هم آمیختگی ، چند لایگی و چندجانبگی مسایل گوناگون انقلاب در سطوح طبقاتی و تشکیلاتی و سیاسی است . تحلیل علمی مسایل انقلاب ایران ، به انگای قانونمندی های عام انقلابهای ملی و دمکراتیک در دوران ما ، نیازمند توجه دقیق به این ویژگیهاست . هر گونه کم توجهی به بخرنجی های ناشی از این ویژگی های مشخص ، هر تحلیلی از مسایل انقلاب را ، از محتوای علمی و واقعی تهی خواهد کرد .

در این زمینه برخورد خلاق تئوریک و سیاسی حزب توده ، ایران که در اسناد و ادبیات حزبی منعکس است ، می بایست انگوی راهنمای هر تحلیلی از مسایل انقلاب ایران باشد .

ویژگی نخست ، کمخست نیرومند توده های انقلاب بهمن : انقلاب های رهایی بخش بسیاری را در دوران ما نمی توان مثال زد که از این نظر با انقلاب بهمن قسابل مقایسه باشند . نیروی عظیم توده های میلیونی ، ضعف رهبری سیاسی جنبش را تا حد و زیادی جبران می کرد . و به رهبری اجازه می داد که کم و بیش پیشاپیش مسردم حرکت کند .

نکته مهم اینست که توده های میلیونی با حداقل سازمان یافتگی طبقاتی و سیاسی ممکن در انقلاب شرکت کردند . جنبش توده های در انقلاب بهمن به طور عمده بسه صورت خود به خودی گسترش پیدا کرد . سرعت گسترش و پیروزی انقلاب ضد انقلاب را فائقه برمی کرد و توان سازماندهی نیروهای انقلابی از شتاب روی آوردن تسوده های میلیونی زحمتکشان به انقلاب عقب می ماند .

در این میان حزب توده ، ایران که در ماههای تدارک قیام بهمن ، به ویژه در

جریان پردن شعار اعتصاب عمومی و سراسری و تدارک قیام مملحانه خلق بهمنیان توده ها نقش کیفی و رهبری کننده سیاسی بسیار ارزشمندی ایفا کرده بود - که به ویژه در شرایط افراطی گری ده ساله سازمان های دمکراتیک انقلابی ، چه و تزلزل و تاویل نمایندگان سیاسی انتشار بینابینی به سازش با امپریالیسم و ارتجاع اهمیت

تاریخی داشت - در شتاب فزاینده رشد انقلاب از فرصت کافی برای تعمیر و بسط این نقش کیفی و رهبری کننده سیاسی به عرصه تشکیلاتی برخوردار نشد . از اینسو خود به خود نهاد های اجتماعی و صنفی خودجوش و به ویژه نهاد های مذهبی که از دیرباز فلکدر سیاسی نیز داشتند ، به ارگانهای صده تشکل توده ها بدل شدند ، و مساجد که گسترده ترین سازمان اجتماعی موجود بودند ، عمدتاً ترین واحد های تشکیلاتی انقلاب را ساختند .

پس از انقلاب نیز ، به دلایل گوناگون و به طور عمده به خاطر سیاست " تشکل ستیزی " حاکمیت ج ۱۰ - در تمام قشر بندی های آن ، که از تشکل طبقاتی - سیاسی مستقل زحمتکشان هراس داشت و فشار امپریالیسم و ارتجاع ، سازمان یافتگی توده ها به طور عمده در سطوح خود به خودی و مذهبی و صنفی محدود ماند . این محدودیت مانع از آن نمی شده نظریات برنامه های طبقات و اقشار مختلف ، اگر چه در بسیاری موارد از دهلین سو در تری مناقشات ظیظ فقهی می گذشت ، با مرز بندی مشخص وجه پسا قاطع ، در توده های تری و وسیع ترین عرصه ها ، در مساجد ، نمازهای جمعه و جماعت ، در شوراهای کارخانه و ادارات ، در اطاق بازگانی و صنایع ، مجلس شورا و شورای نگهبان ، و در مطبوعات طرح نشود . طی سالیان گسترش و پیشرفت انقلاب ، و به ویژه در دوران کنونی حرکت انقلاب در سال های ۶۰ و ۶۱ ، مبارزه طبقاتی تمام عیار و فراگیری با حدت تمام در این سازمانها در گیر بود .

با وجود این ، تشکل های توده ای که علی رغم بدویت و خود به خودی بودن و ضعف رهبری سیاسی ، می توانستند در مراحل ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی انقلاب

کار آبی نسبی داشته باشند ، و پیشرفت عمومی انقلاب را به سود توده ها سازماندهی کنند ، در مرحله انقلاب اجتماعی و در مقابله با گرایش بورژوا - ممالک د حاکمیت بسیار نارضا شدند .

تا هنگامی که رهبری ، در مراحل ضد استبدادی و ضد امپریالیستی در راستای زرفش و گسترش انقلاب حرکت می کرد ، نیروی شگرف توده ها ، چاره ساز کاستی ها ، ناشی از سطح بدوی سازمان یافتگی توده ها بود . اما هنگامی که در مرحله انقلاب اجتماعی رهبری از پیشروی باز مانده ، ضعف سازمان یافتگی توده ها ، آنان را در پیشرفت بی وقفه باز داشت . بدین ترتیب انقلاب ، علی رغم شرکت فرا گیر توده ها ، به خاطر عدم تشکل پیگیر طبقاتی - سیاسی آنان دچار ضعف شدید شد ، و در فترا انقلاب اجتماعی از نفس افتاد .

ضد انقلاب و لیبرالها ، اغلب این ویژگی انقلاب - ضعف سازمان یافتگی و آگاهی طبقاتی مردم را - برجسته می کنند و به استناد آن مجموعه این انقلاب عظیم و گسترش زرفش قانونمندی آن را نیز شمسده جناح هایی از امپریالیسم جهانسی ، " آخوندها " جلوه می دهند . گرایش ناگاهانه به میانخه در این ویژگی که بس همین نتیجه گیری تحریف آمیز ، می انجامد ، در تحلیل های بسیاری از روشنفکران ملی و دمکرات و گروه های " چپ رو " و چپ نما نیز مشاهده می شود .

ویژگی دوم ، نقش برجسته روحانیت شیعه در رهبری انقلاب بود . در حالی که نقش جهان بینی و آید تئورزی نیمه مذهبی - نیمه عرفی و مذهبی در بسیاری از جنبش های رهایی بخش دوران ما ، و به ویژه در کشورهای اسلامی ، امری عادی است و قانونمندی های آن شناخته شده است ، تسلط گسترده و سازمان یافته روحانیت شیعه بر رهبری جنبش ، ویژگی برجسته انقلاب ایران است که معلول شرایط خاص و تکامل اخیر جنبش رهایی بخش ایران ، به ویژه در ربع قرن فاصله میان کودتای ۱۳۳۲ و ۱۳۵۷ است .

در این ربع قرن ، حزب توده ، ایران زیر سرکوب دائم و دشمنانه استبداد و وابسته به امپریالیسم قرار داشت ؛ و بهترین رهبران در زندان و در تبعید گرفتار بودند و

دایره تماس فعالی با توده ها محدود شده بود . افزون بر این جو نامساعد سیاسی ناشی از عوامل گوناگون (مجموعه اسناد پلنوم هفدهم - صفحات ۹۰-۸۸)

محدودیت های فراوانی برای فعالیت حزب توده ، ایران فراهم می آورد . سازمان های دمکراتیک انقلابی نیز در نتیجه این سرکوب و در پیامد سیاست های فرقه گرایانه ای که طی سالیان دراز بر آنها حکمفرما بود ، از پایگاه محدودی در میان زحمتکشان برخوردار بودند .

سازمانهای سیاسی سرمایه داری لیبرال حضور تشکیلاتی نداشتند و اعتبار سیاسی اکثر رهبران آنها به دنبال سازش با رژیم شاه مخدوش شده بود . تنها سازمان اجتماعی که در گسترده ترین سطوح ، با توده های مردم تماس داشت و از دیرباز فلکدر سیاسی نیز داشت ، سازمان سنتی روحانیت بود . رژیم ششاه که فعالیت اکثریت سازشکار و راستگرای رهبران روحانیت شیعه را به سود خود مسمی - دید می آنکه مانع اساسی در راه فعالیت کم و بیش ، آرا ، روحانیو ، و روشنفکران مذهبی ایجاد کنند ، می کوشید با تبعید و زندانی کردن روحانیون مبارز ، فلکدر ضد انقلابی و سازشکارانه و آرام بخش مجموعه سازمان روحانیت را تقویت کند .

ماه های اصح گیری جنبش انقلابی ، بهرمان آیت الله خمینی ، با همکاری نزدیک لیبرالها و با استفاده از امکانات گسترده سازمان سنتی روحانیت ، در عمل پر شمار - ترین سازمان دهندگان و رهبران جنبش ضد دیکتاتوری بودند . آنان از

خواست ها و نظریات مجموعه جنبش پشتمبنانی می کردند و در افتخارات و اعتبار سیاسی هم گرد آنها و شخصیت های انقلابی ، از سازمان مجاهدین خلق و کترشمرتی و آیت الله فقیه طالبانی و دکتر صدق تا حزب توده ، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران سهیم می شدند . اتحاد عمل جنبه ضد دیکتاتوری ، نقش رهبری کننده آنان را ، بسا

شویوای کم و بیش دمکراتیک و طبیعی تحکیم می کرد . یکی از مهم ترین جوانب این ویژگی انقلاب آن بود که روحانیت حاکم - از جناح ضد امپریالیست و مردمی تا جناح ارتجاعی ، که در شرایطی استثنایی رهبری این جنبش خلقی نیرومند را به عهده گرفته بود ، حتی در بحرانی ترین و حساس ترین لحظات تاریخ انقلاب ، از هیچ فرصتی و از هیچ تدارک توطئه آمیزی برای جاودانی کسردن حاکمیت خویش فرو گذار نمی کرد .

نمود های نگران کننده این گرایش انحصار طلبانه ، در لحظات تاریخی بسیار حساس آخردین هفته ها و روزهای عمر رژیم شاه ، بسیار چشمگیر بودند . حزب توده ، ایران از همان روزهای بهمن ۱۳۵۷ ، مبارزه اصولی با این گرایش را آغاز کرد :

" متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بینی اسلامی ، در نبرد ملی و دمکراتیک خلق شرکت می کنند ، در این جهت شدت یافته که از ابزار عقیده و نظر و اقدام دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک جلو گیری می کنند حزب توده ، بقیه در صفحه ۱۹

تحولات طبقاتی در جامعه...

بقیه از صفحه ۱۸

ایران با احساس مسئولیت تاریخی، همه گروه‌های مبارز و به ویژه رهبران یا نفوذ جنبش را، به لزوم تحکیم مبانی اتحاد ۲۰۰۰ فراموشی بخشد (اعلامیه هیأت اجرایی حزب توده، ایران - ۳ بهمن ۵۷ - اسناد و اعلامیه‌ها - ص ۲۷) .

اما ملی‌رغم تلاش‌های حزب ما، گرایش انحصار طلبانه به تثبیت موقعیت انحصاری روحانیت حاکم، هم چنان نقش ارتجاعی خود را ایفا کرد . نهاد های استبدادی " ولایت فقیه " و " شورای نگهبان " می‌بایست به این هدف خدمت می‌کردند . این گرایش انحصار طلبانه نیز، مانند دیگر گرایش‌های ارتجاعی در نظرات نیروهای رهبری کننده انقلاب، به قدرت گرفتن نیروهای ارتجاعی یاری فراوان رساند .

" چپ روها "، روشنفکران ملی و دموکرات و لیبرالها، که همواره گرایش‌های ارتجاعی نیروهای حاکم را برجسته و مطلق کرده‌اند، این عنصر ذهنی، گرایش روحانیت شیعه به ابدی کردن حاکمیت خویش را، محور تحلیل تاریخ انقلاب قرار می‌دهند . آنان ویژگی انقلاب را قانونمندی عام آن جلوه می‌دهند و انبوه واقعیات عینی و قانونمند این انقلاب را بهیچ‌یک از این بخش‌ها در سایه قرار می‌دهند .

بدون شک، ویژگی‌های انقلاب بهمن، یا به عبارت دیگر نقاط ضعف ویژه این انقلاب شکوهمند مردمی و ملی، در تقویت گرایش بورژوا - ملاک در حاکمیت، و تسریع روند تسلط آنان بر انقلاب مردم، سهم مهمی داشته است . اما اگر در برجسته کردن این ویژگی‌ها از واقع بینی علمی و انقلابی به دور اکتفا، به نتایج از اساس نادرستی خواهیم رسید . برای نمونه اگر وجود گرایش ارتجاعی به حفظ یکپارچگی صنفی و جوادانی کردن سلطه استبدادی خویش . در جناح‌های مختلف روحانیت حاکم را محور تحلیل تاریخ انقلاب قرار دهیم، خود به خود به این نتیجه خواهیم رسید که روز به روزی انقلاب، همانا روز شکست انقلاب نیز بود . چرا که از همان روز های درگیری جان‌نازانه و حماسی مردم و نیروهای انقلابی با نیروهای مسلح رژیم شاه، گرایش‌های ارتجاعی، و تدارات توطئه آمیز " صنف روحانیون " برای تسلط بر رقیب و بی‌چون و چرا بر انقلاب مردم نیز اوج گرفت .

برخورد علمی و اصولی حزب توده، ایران با این مسئله مهم سیاسی و استراتژیکی شناسی، به درستی نشان داده است، که در تحلیل پدیده‌های شگرف اجتماعی از طراز انقلاب مردمی بهمن، نه این یا آن ویژگی و گرایش ذهنی در جناح‌های مختلف حاکمیت، بلکه گرایش تعیین کننده طبقاتی مجموعه نیروهای انقلابی از جمله نیروهای حاکم، و تأثیر عینی و عملی پراکنده آنها بر روند گسترش و ژرفش انقلاب، می‌بایست محور تحلیل تاریخ انقلاب قرار گیرد .

واقعیت‌های خدشه ناپذیر بیانگر آنند که موشکبری‌های اصلی و همپای‌های مرفعی جناح مدافع " عدالت اسلامی " در حاکمیت ج ۱۰ با پیشرفت عینی انقلاب را جز به استناد گرایش‌های طبقاتی آنان نمی‌توان توضیح داد . گرایش ارتجاعی به حفظ منافع یکپارچه " صنف روحانی "، و تحلیل نقش استبدادی سازمان سنتی روحانیت به انقلاب مردم، تنها هنگامی می‌توانست نقش تعیین کننده

ایفا کند، که با نیروی سازمان یافته کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان ترکیب و متحد شود .

کوشش نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها حزب توده، ایران، برای جلوگیری از شکل گیری این اتحاد شوم و ارتجاعی، مقابله مردمی و اصولی با آن و نجات انقلاب، از راه بسیج و سازماندهی و اتحاد همه نیروهای مترقی و مردمی، از جمله نیروهای مترقی در درون حاکمیت، بازتاب و ناواری آنان به آرمان‌های خلق، و مارکسیسم - لنینیسم خلق، و شایان تقدیر و پندآموزی انقلابی است .

واقعیت‌های شهادت می‌دهند که رویدادهای گریه تاریخ انقلاب، از جمله چرخش به راست نهایی در بهمن ۶۱، در آخرین تحلیل بازتاب تناسب و تعادلی بود که در جریان مبارزه طبقاتی همگیر، میان نیروهای طبقاتی کوناگون برقرار می‌شد .

مبارزه طبقاتی بارها و بارها در صفوف صنف ناهمگون روحانی (رک - اسناد پنجم هجدهم - ص ۷) شکاف انداخت در جریان درگیری جناح‌های مختلف روحانیت حاکم، در مراحلی حتی نمونه‌های امیدوارکننده‌ای از رنگ باختن گرایش‌های انحصار طلبانه در میان روحانیون مدافع عدالت اسلامی شکل گرفت که به جای خویش مورد بررسی قرار خواهد گرفت . در جریان ژرفش انقلاب تا آستانه انقلاب اجتماعی، جناح های مختلف پیروان آیت الله خمینی بر سر هرگامی که انقلاب می‌بایست در عرصه های قانونگذاری و اجرایی بردارد یا بگذرد می‌شدند . سرپای حاکمیت و پیرامون آن بوخش‌های وسیعی از سازمان‌های توده‌ای و مذهبی، میدان گیت‌سده این نبرد سرنوشت‌ساز " که برک " بود . درگیری آنچنان حادثه بود که حفظ یکپارچگی روحانیت در جریان چرخش به راست بهمن ۶۱، جز با یورش ددمنشانه به حیزب " توده " ایران، که در عین حال به صورت تهدیدی رب انگیز برای جناح فداانگ " عدالت اسلامی " درآمد و جز با تضعیفاتی از قبیل سلب حق قانونگذاری از مجلس که به تغییر تناسب نیروها در حاکمیت انجامید، امکان پذیر نشد .

این واقعیت که توان نیروهای انقلابی همگیر، به طور عمده در نتیجه اختلاف نظر های سیاسی و تاکتیکی و تفرقه در صفوف این نیروها، در حدی نبود که در این مرحله از گسترش انقلاب، بر سرنوشت مبارزه در درون حاکمیت تأثیر تعیین کننده بگذارد، ناقص قانونمندی عام مبارزه طبقاتی، و صحت شی حزب توده، ایران نیست . علی‌رغم همه تشبیهات نیروهای ارتجاعی، و تخطیط‌های نارقیانه چپ‌روهای خرد و کلان، دستاوردهای تأیید شده تئوریک و سیاسی حزب توده، ایران در برخورد با انقلاب ماورا، بفرنج بهمن، به صورت صفحات درخشان در سنامه‌های انقلابی برای همه انقلابیون ایران و جهان به یادگار خواهد ماند .

امروز نیز علی‌رغم اقتدار و فشار رهبری روحانی برای حفظ یکپارچگی طرفداران خویش و ابدی کردن حاکمیت خود، چنانکه حزب توده، ایران آموخته و می‌آموزد، در تحلیل نهایی، قانونمندی های عام مبارزه طبقاتی، و نه این یا آن ویژگی انقلاب، سرنوشت اجتماعی و سیاسی انقلاب و توده پیروان آیت الله خمینی را تعیین می‌کند .

روی گردانی ریز افزون مسلمانان مبارز و انقلابی که در شهر و روستا به آرمان‌های انقلاب وفادارند (اسناد پنجم هجدهم - همانجا - ص ۷) از جناح‌های مختلف حاکمیت، بیانگر آنست که شکافی که با تهدید و ارباب " از بالا " ترمیم می‌شود، " از پایین "، میان توده‌ها و حاکمیت دهان می‌گشاید، و به گردهم آیی دو بسازه زحمتکشان، زیر پرچم وفاداری به آرمان‌های انقلاب شکوهمند بهمن، در جبهه متحد خلق می‌انجامد .

حکم اعدام...

بقیه از صفحه ۵

مسائل را مورد بررسی قرار دهد . سپس شورا، مواردی از دستورالعمل ارسالی را که قبلاً جهت محاکمه افراد حزب ۲۰۰۰ تدوین شده بود، مورد بررسی قرار داد و مقرر کرد تا این دستورالعمل ارسالی به کلیه دادگاه‌های انقلاب سراسر کشور بلاغ شود (رادیو ایران - ۱۱ بهمن) .

در واقع آقای موسوی اردبیلی و همسر طراز نشان که به جای حفظ و حراست از قانون و نظارت بر اجرای صحیح آن، خود به ناقصان اصلی قانون بدل شده‌اند، برای یافتن محملی که به هر صورت توده‌های دیندار محاکمه و محکوم کنند، به این راه حل - تنظیم دستورالعمل و ابلاغ آن به دادگاه‌های انقلاب سراسر کشور - متوسل شده‌اند . زیرا اتهامات وارده بر اعضا و فعالین

حزب توده، ایران، بر اساس قوانین مدون و جاری کیفری کشور، مطلقاً " جرم " محسوب نمی‌شود . این منطق سفاکان تاریخ است : هنگامی که قادر نیستند، خدمت به مردم و انقلاب را در چار - چوب قوانین تدوین شده " جرم " بنامند، پنهانی به صدور بخشنامه‌های محرمانه و " دستورالعملی های ارسالی " توسل می‌جویند و واقعا چگونه می‌توان هزاران نفر را به " جرم " دقتناغ از انقلاب، متشکل کردن کارگران برای مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب و امپریالیسم و بالا بردن سطح تولید و احقاق حقوق خود، ساختن حمام و مدرسه و راه برای روستائیان، شرکت در جبهه و پشت جبهه، کمک در امر تشکیل تعاونی‌های کارگری و محلی ۲۰۰۰ برای حذف واسطه‌ها و دلان و کورکردن راه‌های احتکار و گرانفروشی، پاکسازی شهر و محله و ده، گرد آوردن جوانان در تیم‌های ورزشی و ۲۰۰۰ متشکل ساختن زنان و صد ها فعالیت‌سازنده و عمرانی دیگر به پای میز

محاکمه کشید و محکوم کرد؟! این اقدامات خائنه تنها از کسانی برمی آید که پشت به مردم، به استقبال امپریالیسم می‌شناهند و داغ دشمنی و شلاق و شکنجه‌های جسمی و روحی برای گرفتن به اصطلاح اقرار و برپائسی پیدادگاه‌های نظامی در بسته و صدور احکام ضد قانونی اعدام و تیرباران مدافعان انقلاب و مردم را، تنها نقطه امید برای نجات خود و پیشبرد مقاصد و اهداف خیانت‌بار خود می‌شمارند و تمامی آنها را موبه موبه مرحله اجرا درمی‌آورند . محکوم کنندگان شقی خامیان مردم، افسران بهمن دست و توده‌های دیندار با " احکام " جا برانه، خود زندگی ۱۳ تن از آزادی خواهان و با " دستورالعمل‌های ارسالی " خونین هستی و سرنوشت بیش از ۸۵۰۰ تن از اعضا و فعالین حزب توده، ایران را به بازی گرفته‌اند، خود محکوم تمامی نیروهای مترقی و دموکراتیک سراسر جهان و تاریخ اند .



مبارزه میهن پرستان لبنان اوج می گیرد

اکنون دیگر آشکار شده است که رژیم دست-نشانده غرب امپریالیستی و اسرائیل در لبنان بدون دخالت مستقیم نظامی ارتش آمریکا و هدایت اسرائیلیش نمی تواند پیاپی برجا بماند. بدین جهت در نبردهائی که این روزها در اطراف بیروت و برخی مناطق آن، میان میهن پرستان لبنان و ارتش رئیس جمهور و فالاتزیست ها در گرفت، تنگداران دریائی آمریکا نیز مستقیماً شرکت داشتند. بر اثر گلوله باران و بمباران برخی از محلات بیروت و روستاهای نزدیک آن توسط نیروهای نظامی آمریکا، عده ای کشته و زخمی شده اند. با این وجود مبارزه میهن پرستان لبنان، روز به روز گسترده تر می شود. اکنون همه مردم لبنان دشمن اصلی خود، امپریالیسم آمریکا را شناخته اند و یک دل و یک زبان به پیکار علیه آن برمی خیزند. خبرگزاری ها میگویند که در لبنان کمیته ای مرکب از بستگان و خویشان کسانی که به دست پیاده نظام دریائی آمریکا و یا بر اثر گلوله باران و بمباران کشتی ها و هواپیماهای آمریکائی کشته شده اند تشکیل شده است. سازمان دهندگان این کمیته، اعلامیه هائی پخش می کنند که در آنها خروج فوری پیاده نظام دریائی آمریکا از سرزمین لبنان خواسته شده است. در پیی از اعلامیه ها گفته می شود: ما به نام تمام قربانیان راهزنان آمریکائی، اعلام می کنیم کسه سربازان آمریکائی با هدف استقرار صلح به کشور ما نیامده اند، بلکه هدفشان قتل میهن پرستان لبنان است. آنان باید بلافاصله خاک میهن ما را ترک کنند.

در عین حال پیکار علیه اشغالگران اسرائیلی در مناطق جنوبی لبنان همچنان ادامه دارد و علی رغم مجازات های جنایتکارانه و خشونت آمیز اشغالگران، رزمندگان لبنانی پیوسته ضربات مؤثری بر دشمن وارد می آورند.

ناخشنودی در ارتش پاکستان

ماه گذشته گروهی از افسران ارتش پاکستان، کوشیدند با یک کودتای نظامی ژنرال ضیا الحق را سرنگون کنند. روزنامه " ایندین اکسپرس " چاپ هندستان که این خبر را منتشر کرده است به اخبار منتشره در هفته نامه " شرق " به زبان اردو - چاپ لندن اشاره می کند که توسط منابع دیپلماتیک و رهبران حزب خلقی پاکستان تأیید گردیده است.

حدود پنجاه تن از سرهنگان و سرگردان نیروی هوائی پاکستان این کودتا را سازمان داده بودند. این کودتا در آخرین لحظات توسط افسران وفادار به ضیا الحق عقیم مانده است. این نیروهای وفادار به دولت، افسران را در یک سریاخانه - در لاهور - محاصره کرده اند و بر اثر تیراندازی مقابل چند نفر به قتل رسیده اند. سرنوشت ده ها تن از افسران دستگیر شده معلوم نیست.

این دو مین کوشش برای کودتا علیه ضیا - الحق از هنگام به حکومت رسیدن اوست. کوشش قبلی در مارس سال ۱۹۸۰ انجام گرفت.

" ایندین اکسپرس " می افزاید که تلاش تازه برای کودتا حاکی از وجود ناخشنودی شدید در ارتش پاکستان و به خصوص در میان افسران و درجعات پائین، از سیاست رئیس جمهور و اطرافیان اوست.

امپریالیسم آمریکا برای

بقیه از صفحه ۲
هشدار داد که بار دیگر به لبنان حمله خواهد شد. این روزنامه نوشت:
" ادعای آمریکا مبنی بر آماده باش در مقابل حمله هواپیماهای انتحاری بمبانهای برای شسر عملیات به ظاهر تدافعی آمریکا خواهد بود. این امر نشانگر قصد رژیم صهیونیستی و آمریکا بسرا بحرانی تر کردن اوضاع لبنان و بسوء استفاده از آن در جهت اجرای عملیات گسترده علیه نیروهای سو و مواضع جبهه نجات ملی لبنان است."

در کنار این اقدامات مسلح کردن رژیم جمیل از سوی امپریالیسم آمریکا و تشکیل ارتش اردنی برای مداخله در امور " بحرانی خلیج فارس و منطقه را که به دستور واشنگتن پی وجود آمده است، نباید از یاد برد.

در چهار چوب این اقدامات گسترده امپریالیسم آمریکا، جنگ ایران و عراق نیز حلقه دیگری برای پیشبرد این وضع بحرانی به سود ایالات متحده آمریکا است. رهبران ج ۱۰ با اصرار به ادامه جنگ، به امپریالیسم آمریکا کمک می کنند که خسوس نظامی خویش را در منطقه تقویت کند. مواضع استراتژیک محکم تری در این منطقه به دست آورد و سودهای سرشاری از طریق فروش ابزار و ادوات جنگی به جیب زند.

هندوچین

ویتنام، لاوس و کامپوچیا در نظر دارند برنامه های رشد اقتصادی، فرهنگی و علمی-فنی دراز و کوتاه مدت خود را هماهنگ سازند. این سه کشور سوسیالیستی در نظر دارند همکاری های خود را به ویژه در رشته های تولید مواد غذایی و تولیدات کشاورزی، انرژی و ماهیگیری، در رشته های ساختمان و حمل و نقل، طبق برنامه تقویت کنند. ویتنام، لاوس و کامپوچیا در نظر دارند با این اقدام مشترک خود، پیش شرطهای استفاده هر چه موثرتر از منابع و بنیادهای مادی- فنی سه کشور را فراهم سازند.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
برلین**

**هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

افسون ۱۰۰ مارک
رفیق ۱۸۱۸ ۱۰۰ مارک

سیاست شاهنشاهی نجات موسسات ورشکسته

بقیه از صفحه ۱۷

"خودکفائی" سخن می رانند با ابزار اطمینان خود مبنی بر وجود "شیات اقتصادی" در کشور یاد کارگران رژیم شاه را که وجود "کارگران رزبان و کاردان" و "کنجینهای از منابع طبیعی و موقعیت جغرافیائی سودمند و قدرت تحرک نفت" را بسه سرمایه جهانی وعده می دادند، در خاطر روسای شرکت هائی همچون تالیوت زنده می کند.

مقامات ج ۱۰ اینک برای اثبات بقای سیاست اقتصادی شاهنشاهی در ایران و دادن اطمینان به سرمایه های امپریالیستی کارگران و زحمتکشان- میهن ما را به تحمل فقر و تنگدستی محکوم می کنند.

و هر گونه صدای اعتراضی را با شیوه های سرکوب شاهنشاهی پاسخ می دهند، در حالیکه کیسه ها گشاد شرکت های غارتگری چون تالیوت و ولوو و نیسان و صدها موسسه دیگر امپریالیستی در کنار آنها چپا و لگران داخلی همچنان بر می شوند.

در چارچوب این تدارک خائنه برای فروش مجدد میهن ما به امپریالیسم است که بهترین فرزندان مردم ما را که هستی خود را وقف قطع واقعی سلطه اجانب کرده و می کنند با اتهامات پیشروانه در پیشگاه امپریالیسم قربانی می کنند.

RAHE TUDEH
No. 79
riday, 10. Feb 84

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	1 DM	U.S.A.	50
Austria	3 Fr.	Sch. Sweden	3
			Skr.